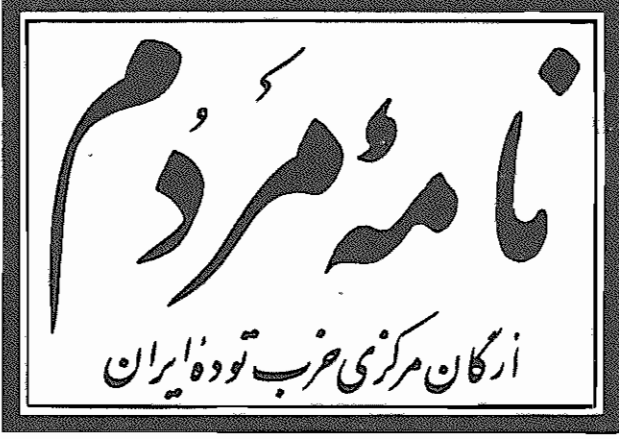


# تنظیم و ارائه پیشنهادها و برنامه‌های سازنده، وظیفه انقلابی است

برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران، مصوب نهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی، در راستای انجام این وظیفه انقلابی است.

با کلی‌گویی هیچ مسئله‌ای حل نمی‌شود. اگر فقط بگوئیم که در کشور بیکاری هست و باید بیکاری از بین برود، کسی به رفع بیکاری نکرده‌ایم که سهل‌است، در افکار عمومی نیز نوعی بدبینی، از طریق بیان این عارضه و عدم ارائه راه درمان آن، بوجود آورده‌ایم. اگر فقط بگوئیم که گران‌روز افزون است، ولی ریشه پیدایش گران‌ی، سبب پیشرفت آن، طریق مهار و برطرف کردن آنرا نشان ندهیم، نمک بر روی زخم پاشیده‌ایم. همانطور که با حلوا

کشور ما با مشکلات بزرگ و مسائل مهمی روبرو است که اولاً از رژیم گذشته به جمهوری اسلامی ایران به ارث رسیده‌اند؛ ثانیاً مربوط به دوران گذار انقلابی‌اند؛ ثالثاً ناشی از جنگ تجاوزی است که بر ما تحمیل شده است؛ رابعاً نتیجه زیاده‌رویها، ندانم‌کاریها، اشتباهات، انحصارطلبی و قشری‌گری است. رفع این مشکلات بزرگ و حل این مسائل مهم، در همه عرصه‌های زندگی، نیاز به برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و دراز مدت، بر مبنای مطالعات دقیق و استفاده از نظریات و پیشنهادها، مشخص‌شخصیتها و صاحب‌نظران، سازمانها و نهادها، جمعیت‌ها و احزاب سیاسی دارند.



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۵ - چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۰  
مطابق با ۱ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

## اسناد جاسوسخانه آمریکا

خطرناک خواهد بود. منبع گفت: نهضت آزادی میخواست که در مورد منافع آمریکا در ایران گفتگو کند، تا از برخوردهای احتمالی آینده جلوگیری شود. در ضمن منبع میانه‌رو مذهبی اشاره کرد که ملاقات با ارتش حیاتی بوده و گزارشات مبنی بر اختلافات در رهبری مذهبی را تأیید کرد.

(افشاگری شماره ۱۰، صفحه ۴۰)

ملاقات بازرگان و سعابی با مقدم و قرم‌باغی

(از سند شماره ۱۰۱۴، مورخ ۰۷/۱۱/۵۷)  
در ۳۰ ژانویه طی ملاقاتی با مسئول سیاسی دکتر میناچی اطلاعاتی راجع به معامله‌ای با دولت ایران که به برنامه‌های برگشت منجر میشد، تبادل شد. ژنرال مقدم (ساراکو) قرم‌باغی (فرمانده قوا) با مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سعابی رهبران ارشد نهضت آزادی شب ۲۹ ژانویه ملاقات کردند. متأسفانه حجت‌الاسلام بهشتی و آیت‌الله رفسنجانی (که قرار بود بیانند) آنجا نبودند. آنها از غیبت عذرخواهی کرده و گفتند که در تحصن دانشگاه تهران در اعتراض به کشتارهای ارتش در ۲۸ و ۲۹ ژانویه شرکت کرده‌اند (نظر: این در واقع دفعه دومی است که بهشتی از رودرویی با رهبران اصلی ارتش سرباز زده. ولی ظاهراً قرم‌باغی دستور دارد که معامله کند، چون مشکلی پیش نیامده) هم مقدم بازرگان بعداً به میناچی گفته بودند که با وجود غیبت سران مذهبی ملاقات خیلی مفید بوده است. مردان ارتش و نهضت

بقیه در صفحه ۴

به استعفا کند. کارشناس سیاسی گفت: این کاری نیست که آمریکا بتواند انجام دهد و حتی کوشش در اینجهت خطرناک خواهد بود. حصول توافق ضروری و حیاتی است و تلاش خمینی برای برپایی دولت رقیب هنگام بازگشت خیلی

افشاگری شماره ۱۰ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که حاوی بخشی از اسناد بسیار مهم لانه جاسوسی آمریکاست، انتشار یافته است.

«نامه مردم» به سبب اهمیت زیاد این اسناد، که باردیگر ماهیت آن نوع درواپلی را که میان امرانتظام و دیگران با جاسوسان آمریکائی برقرار بوده است، افشا می‌کند، به تدریج اهم آنها را برای آگاهی مردم انقلابی ایران منتشر می‌سازد.

تلاش برای ابقای شورای سلطنت (از سند شماره ۰۴۳۱۹، مورخ ۰۷/۱۰/۵۷، از سفارت آمریکا - تهران به وزارت امور خارجه - واشنگتن، فوری)  
۸- میناچی گفت رهبران مذهبی میانه‌رو قم در مورد رفتن شاه مقداری عصبی بودند. میناچی مسئله شورای سلطنت را با علی امینی در میان گذاشته بود و فکر کرده خوب است که از روحانیون هم در این شورا باشند. او ۱۰ ژانویه با شریعتمداری ملاقات می‌کند و گفت مسئله را عنوان خواهد کرد. او مطمئن بود که مثلث قم حاضر بودند در چنین کاری کمک کنند.

(افشاگری شماره ۱۰، صفحه ۱۱)

گفتگو در مورد منافع آمریکا در ایران (از سند شماره ۰۱۰۷۷۲۱، مورخ ۰۷/۲۲/۵۷)  
۲۵- خلاصه: انتظام، عضو نهضت آزادی به کارشناس سفارت گفت: که نهضت آزادی مضراً خواستار ملاقات با افسران ارتش است، تا بازگشت آرام خمینی را ترتیب دهند. نهضت آزادی می‌خواهد آمریکای نخست‌وزیر، مجلس و شورای سلطنت را وادار

توسط رزمندگان انقلاب:

یک گردان نیروی کلاه‌سبز لشکر کرکوک تار و مار شد  
حاصل از نبرد روزهای ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت را تشریح کرد. بنا بر این اطلاعیه، از ساعت ۵ صبح ۱۴ اردیبهشت در یکی از جبهه‌های منطقه دزفول دشمن اقدام به حمله کرد، که با مقاومت نیروهای رزمنده ما در این جبهه دفع

بقیه در صفحه ۴

## سیاست خارجی مستقل و فعال

تأمین استقلال و امنیت ملی و شرایط مناسب برای شکوفایی اقتصاد کشور بدون اجرای سیاست خارجی مستقل و فعال و متناسب با نیازهای انقلاب ایران مقدور نیست. سیاست خارجی ایران در زمان رژیم سرتکون شده سلطنت وابسته تابعی بود از سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم جهانی. این سیاست باید از ریشه‌دگرگون شود و سیاست خارجی ایران بر اصول زیرین استوار گردد:

- ۱- برقراری مناسبات دوستانه با همه کشورهای جهان که استقلال مبین ما را به رسمیت می‌شناسند و حاضرند از تلاش خلق ما برای تحکیم این استقلال پشتیبانی کنند؛
- ۲- تلاش ایران برای شرکت فعال در جنبش غیرمتحدها؛
- ۳- هواداری ایران از اصول هزیستی مسالمت‌آمیز و دفاع از صلح؛
- ۴- امتناع پیکر ایران از شرکت در هرگونه پیمان تجاوز-کار امپریالیستی نظامی و یا شبه‌نظامی؛
- ۵- تلاش سیاسی برای آزاد-ساختن خلیج فارس و دریای عمان از هرگونه دخالت نیروهای بیگانه؛
- ۶- مخالفت و مبارزه فعال سیاسی برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای نظامی تجاوزکارانه در منطقه خلیج فارس و دریای عمان به کارگردانی امپریالیستها؛
- ۷- تلاش برای انعقاد یک پیمان امنیت‌جمعی در منطقه خاور-نزدیک و میانه و سراسر آسیا؛
- ۸- حمایت همه‌جانبه از جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در کشورهای استعمارزده، به‌ویژه از جنبش خلق فلسطین، برای درهم‌شکستن سلطه نظامی امپریالیسم در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس.

## نمایش ناهنجار

(در باره باصطلاح دادگاه بین‌المللی استکهلم علیه افغانستان و اتحاد شوروی)

این روزها در استکهلم، پایتخت سوئد، باصطلاح دادگاهی علیه افغانستان و اتحاد شوروی تشکیل شده است، که هدف آن دامن‌زدن به تبلیغات ضدانقلابی و ضد شوروی، بر اعتبار کردن انقلاب افغانستان و پوشاندن مداخله مسلحانه آمریکا، انگلستان، چین، پاکستان، اسرائیل، مصر، عربستان سعودی و سایر نیروهای امپریالیستی و مرتجعین منطقه در افغانستان است. نویسنده شوروی «آرئید روندبرگ» به این مناسبت مقاله‌ای نوشته، که توسط «خبرگزاری نووستی» انتشار یافته است. در زیر ترجمه این مقاله به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد.

در استکهلم باصطلاح دادگاهی تشکیل شده، که به رسیدگی به پرونده افغانستان، اختصاص دارد. سازمان‌دهندگان این «دادگاه» - نمایندگان باصطلاح روشنفران چپ، بورژوازی ارتجاعی افراطی، ضدشوروی‌های کینه‌توز بدنام و «آیدالیست‌های» فریب‌خورده هستند. به «دادگاه» شکل محاکمه داده شده و موضوع محاکمه، بررسی اتهام وارده به اتحاد شوروی دایره کمک به مردم افغانستان است. از چاروچنگال تبلیغاتی که برپا شده، پیداست که حکم «دادگاه» از پیش تعیین گردیده: اتحاد شوروی به مداخله، اشغالگری و تبهکاریهای جنگی علیه مردم افغانستان محکوم خواهد شد. بدین شکل، نمایش ناهنجار و عجیب و غریبی برای جرایم غرب، با ساز ارتجاع بین‌المللی و بخصوص امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، ترتیب داده میشود.

دربار افغانستان و انقلاب نوپای آن، مشکلات بسیاری قرار گرفته، که گاهی حتی سابقه نداشته است. ولی همه چیز حاکی از آنست که مردم افغانستان از عهده وظایفی که در مقابلشان قرار دارد، بخوبی برخوردارند. بدیهی است که قبل از همه باید به جنگ اعلان نشده‌ای که از سال ۱۹۷۸، یعنی پس از انقلاب آوریل، علیه افغانستان ادامه دارد، پایان داده شود. در این جنگ خونین، برای دستجات اشراک و راهزن علیه مردم افغانستان - دستجاتی که در غرب به درجه «مبارزان راه آزادی» رسانده شده‌اند - برای تبلیغات غرب، نقش مهمی در نظر گرفته شده است. باصطلاح دادگاه «افغانستان» در استکهلم باید خدمت خود را در این مقطع انجام دهد و از آن تاریخ آندیشان قرون وسطائی، سوداگران مواد مخدر، قاچاقچیان اسلحه، مستمران فتودال و اشراک که تبلیغات ارتجاعی نام مقدس «چریک» به آنها داده، پشتیبانی مستقیم کند.

در بیانیه‌ای که خطاب به «دادگاه» در جرایم سوئد منتشر شده، پشتیبانی شوروی از مردم افغانستان، بمثابه خطری که صلح بین‌المللی را تهدید میکند، قلمداد شده است. ولی معلوم نیست که چرا در این بیانیه حتی کلمه‌ای هم از کمک علنی یا مخفی اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، ایالات متحده و انگلیس به نیروهای ضدانقلاب سخن گفته نمی‌شود. براساس منطق جعلی تبلیغات غرب، این نه جنگ اعلان نشده علیه مردم افغانستان، بلکه کمک اتحاد شوروی در حمایت از اصلاحات ترقیخواهانه در یکی از عقب‌افتاده‌ترین کشورهای جهان است که صلح را تهدید میکند!

گزارش‌های واقعی و حقایق مربوط به نقش اتحاد شوروی در افغانستان مکتوم نگه‌داشته میشود. حقیقت آنست که اتحاد شوروی، در دسامبر سال ۱۹۷۹، به درخواست مکرر و مکررانه دولت افغانستان و دشورای انقلاب، در کابل، مبنی بر پشتیبانی نظامی برای دفع تجاوز خارجی، پاسخ مثبت داد. علاوه بر این، کمک نظامی شوروی بکلی جنبه محدود داشت.

بقیه در صفحه ۷

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

# مسئولان اجرائی کشور باید حتی المقدور زمینه‌های نارضایتی را کمتر کنند

مردم خواستار اعمال قاطعیت از ارگانهای مسئول هستند وجود و گسترش شوراها باعث سروسامان یافتن اوضاع جامعه می‌شود.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان ملی سخنانی، خواستار اعمال قاطعیت مسئولین در مقابل عوامل ضدانقلاب شد. اولین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، محسن مجتهد شبستری، نماینده مردم تهران، طی سخنانی، با اشاره به درگیریا و تشنجاتی که از سوی عوامل ضدانقلاب در نقاط مختلف کشور صورت می‌گیرد، گفت:

«دشمنان داخلی با الهام از اربابان خارجی، چون از شکست نظامی ایران مایوس شدند... دست به توطئه‌ها و حادانه‌ها آفرینی‌ها و آشوب و تشنج می‌زنند. ناطق ضمن اشاره به اینکه «از سوی مسئولان کشور اعمال قاطعیت لازم دیده نمی‌شود» از جمله سئوال کرد:

«آیا این بی‌تصمیمی‌ها و ترس از بدتر شدن اوضاع و گوش دادن به حرف این و آن، و اهله از تسلیم به شانزدهای سیاسی بعضی قلم‌بلستان و مداراهای غیر-انقلابی به پناه حفظ آزادی، آنانرا (دشمنان داخلی انقلاب) جری‌تر و متشکل‌تر نمی‌سازد... آیا استقرار و حاکمیت قانون و رفتار با ضدانقلاب طبق مقررات زمان جنگ، که مکرر وعده و وعیدش را می‌شنویم، جز با سرکوب ضدانقلاب ممکن است؟» ناطق همچنین با اشاره به اینکه بسیاری از افرادی که به صف «مخالفتین» انقلاب می‌پیوندند، یا افرادی «ناآگاه و فریب‌خورده هستند» یا بعلمت «اوسائیهایی که در قسمت‌های مختلف اجتماعی مشاهده

کرده‌اند، که تا مساعد بودن اوضاع اقتصادی در آن سهم بسزائی دارند»، مخالف شده‌اند، از مسئولین رسانه‌های گروهی و بخصوص مسئولین صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران خواست که «برنامه‌های بحث آزاد را هرچه زودتر ترتیب دهند». وی همچنین افزود: «از سایر دست‌اندرکاران و مسئولان اجرائی کشور میخواهم که حتی‌الامکان زمینه‌های نارضایتی را کمتر فراهم کنند و در انتخاب مجریان و کارمندان دقت بیشتر بخرج دهند».

ناطق گفت: «مردم از مجلس شورای اسلامی انتظار دارند، سرعت عمل بیشتری نشان داده و لویح اساسی مانند لویح احزاب و گروهها و مطبوعات راه‌چه‌زودتر تصویب و تکلیف همگان را روشن کنند».

ناطق بعدی قبل از دستور، اسدلی‌نیا نماینده اهواز بود که، با اشاره به جنایات تجاوزگران صدامی در جبهه‌های جنگ، از ترور حسین پژوهنده، سرپرست دانشکده علوم اهواز و عضو شورای بسیج مستضعفین این شهر، توسط عوامل ضدانقلاب سخن گفت و این عمل را جنایتی همانند «جنایات صدام» دانست.

حجت‌الاسلام خلیفائی، نماینده مردم قم، نیز به عنوان اخطار قانونی و با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خواستار پاسخگویی سریع مسئولین به سئوالات نمایندگان مجلس شد.

حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی در پاسخ، ضمن اشاره به بعضی کارهای فوری که در دستور مجلس قرار می‌گیرد، از نمایندگان

خواست که بعضی از سئوالات را بصورت تذکر به مسئولین بدهند.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و طرح عده‌ای از نمایندگان درباره «بنیاد امور جنگ‌زدگان» در حضور شورای نگهبان به بحث گذاشته شد. طبق این طرح برای رسیدگی به مشکلات اقتصادی، بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جنگ‌زدگان، بنیادی، که دارای شخصیت حقوقی است، زیر نظر معاون نخست‌وزیر تشکیل می‌شود. درباره این طرح چندتن از نمایندگان بعنوان موافق و مخالف سخن گفتند. در پایان بحث، مخبر کمیسیون داخله به سئوالات پاسخ گفت و پس از توضیحات میرسلیم، نماینده وزارت کشور، درباره کلیات این طرح رای گیری شد و به تصویب رسید.

آنگاه بحث در مورد جزئیات این طرح آغاز شد و پیشنهادها نمایندگان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ادامه این بحث، نصراللهی نماینده آبادان، ضمن تأکید بر ضرورت وجود «شورائی» که در این طرح گنجانده شده است، از جمله گفت:

«ایجاد و گسترش شوراها، موجب سروسامان دادن بهتر به اوضاع و احوال جامعه و خنثی کردن توطئه‌هاست، که متأسفانه هنوز بطور جدی به آن نپرداخته‌ایم. بایستی تلاش کنیم این اصل مهم را در همه امور خود جاری کنیم».

بعلمت پایان وقت مجلس، ادامه بحث در مورد جزئیات این طرح، به جلسه فردا موکول شد. همچنین در این جلسه ۲ لایحه از سوی دولت به مجلس تقدیم و به کمیسیونهای مربوطه ارجاع شد.

## تنظیم و ارائه...

بقیه از صفحه ۱

اجتماعی و فرهنگی، خواستار توسعه کشور پسود زحمتکشان، رشد کشور و تامین نیازمندیهای مادی و معنوی توده‌های میلیونی مردم است، باید راه چاره دردها را نشان دهد، و گرنه، کلی‌گویی و پرگویی درباره وجود دردها، هر هدفی را تعقیب کند، آن‌هدف، حل مشکلات و مسائل مبتلا به کشور نیست.

در شرایطی که انقلاب ما وارد مرحله فوق‌العاده حساسی شده است، ارائه پیشنهادها سازنده، ارائه برنامه برای رفع مشکلات و حل مسائل مبتلا به کشور، در برابر همه نیروهای انقلابی، همه مقامات و شخصیتها و نهادها مسئول جمهوری اسلامی ایران، همچون وظیفه انقلابی برجسته‌تر میشود.

یکی از مضرات بزرگ تشنج، سایه‌افکندن بر روی این وظیفه، اختلال در انجام آن است. با آرامش‌سیاسی‌بهرتر و بیشتر روشن میشود که وظیفه اصلی در رفع مشکلات و حل مسائل، تدوین و ارائه برنامه‌های سازنده برای رفع دشواریها و بخطر نوسازی انقلابی کشور است.

پدیده‌ای است که تنظیم و تدوین برنامه‌های سازنده باید بر مبنای قانون اساسی باشد. در قانون اساسی هدفها مشخص شده‌اند، ولی برای رسیدن به آنها باید برنامه‌های مشخص داشت. مثلاً در قانون اساسی تصریح شده است که: «دولت موظف است با رعایت

## نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

چگونه؟ برای پاسخ به این «چگونه» کار عظیمی باید صورت گیرد، تا اولاً نیاز جامعه به مشاغل گوناگون مشخص شود؛ ثانیاً بر آن مبنای امکان اشتغال به کار برای همه افراد فراهم گردد؛ ثالثاً شرایط برای تحقق این امکان ایجاد گردد؛ رابعاً بر اساس استفاده از این شرایط، همه افراد به کار جلب و به کار گمارده شوند. هر کدام از این بندهای چهارگانه، عرصه فعالیت بزرگی است.

یا مثلاً میدانیم که یکی از مسائل بزرگ مبتلا به کشور، مسئله تامین مسکن برای اهالی است. در قانون اساسی تصریح شده است که:

«داشتن مسکن مناسب بایناز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است، با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، خصوصاً روستائین و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند».

طبق این اصل قانون اساسی، باید نیاز روستائین و کارگران به مسکن بعنوان ایجاد زمینه تامین مسکن برای همه نیازمندان، در درجه اول، برآورده شود. ولی برای اینکار برنامه‌های لازم است، که در آن همه امکانات در این عرصه مشخص شود و نحوه تبدیل این امکانات به واقعیت مسکن برای زحمتکشان روستا و شهر، ارائه گردد.

## هر یک از دیگر مسائل مهمی که حل آنها در برابری کشور قرار گرفته: اصلاحات ارضی پسود زحمتکشان روستا، رشد کشاورزی، ایجاد صنایع مادر و توسعه صنایع، دولتی کردن بازگانی خارجی، ایجاد شبکه تعاونیهای تولیدی و تعاونیهای مصرف در سطح کشور، تامین خدمات پزشکی برای عموم، آموزش رایگان تا حد متوسطه برای همه کودکان و نوجوانان، رشد دانش و علوم و فنون و نحوه استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و دهها مسئله دیگر، که بدون حل آنها، نوسازی کشور ممکن نیست، هر یک نیازمند برنامه ریزیهای کوتاه مدت و درازمدت دقیق و همه‌جانبه بررسی شده و تنظیم شده است.

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

سازمان حزب از بندرت رکن ۱۰۰۰۰ ریال هواداران حزب در بندر گز ۱۷۰۰۰ ریال چند هوادار حزب ۴۶۰۰ ریال علی و بهناز از بندرگز ۸۵۰۰ ریال مسعود از کرمان ۲۰۰۰ ریال م. حیدری (کمک سه ماهه) ۱۵۰۰۰ ریال عارف. ق به حزب پدرش ۱۰۰۰ ریال فرشید. الف. ف ۲۰۰۰ ریال خانم ی. ح ۲۰۰۰ ریال

مردمی ایران، مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی، نتیجه احساس مسئولیت حزب ما در برابر خلق ما و انقلاب ما و در راستای انجام این وظیفه انقلابی است. به گمان ما همه باید در این راه کوشش کنند تا رفع مشکلات و حل مسائل ممکن شود، تا نوسازی کشور پسود زحمتکشان آغاز گردد و به جریان افتد، تا مردم ما احساس و لمس کنند که آینده بهتری در انتظار آنهاست، تا اعتقاد مردم به انقلاب- انقلاب کورخ نشینان علیه کساح-تشیان - مستحکم تر و رزمنده تر گردد.

# پیام شادباش

## سازمان حزب توده ایران در بروجن به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای شما در سازمان بروجن حزب توده ایران، با شغف و افتخار، از خبر تشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزبشان مطلع شدند. به همین مناسبت و به مناسبت انتخاب شایسته مجدد رفیق گیانوری بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، این رفقا، گرمترین درودهای رفیقانه و صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به دبیران منتخب پلنوم، اعضاء هیئت سیاسی، رفقای کمیته مرکزی و از آن طریق به همه اعضاء و هواداران رزمنده حزب تقدیم می‌دارند.

رفقای شما در سازمان بروجن حزب بدینوسیله به شما اطمینان میدهند که نه تنها اهمیت تشکیل پلنوم هفدهم و دستاوردهای موفقیت آمیز آنرا در چنین دوران چوشان و پرتلاطم کشورمان، بدرستی درک می‌کنند، بلکه آرزومند آنند که شما یقین داشته باشید که این رفقا، به مسئولیتها و وظائف خود در برابر تصمیمات دوران ساز پلنوم و برنامه مصوبه آن بخوبی آگاهند و صبور و رزمنده، در جهت تحقق اهداف آن خواهند کوشید، تا نشان دهند که شایسته نام توده‌ای هستند.

## یک گردان ...

بقیه از صفحه ۱

در منطقه غرب اهواز، با آتش نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران روی یکانهای دشمن، بیست تن از سربازان عراقی به هلاکت رسیدند. در جبهه آبادان در نتیجه اجرای آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران یک تانک، یک تفنگ ۱۰۶، یک ساختمان محل تجمع دشمن، چندین سنگس انفرادی و چند قبضه آر.پی. جی. ۷ نابود و ۹۰ نفر از نیروهای متخاصم کشته و زخمی شدند. در جبهه آبادان، سهرای ماهشهر، نیز بیست تن از قوای دشمن به هلاکت رسیدند.

جنايتكساران رژیم صدام آمریکائی در دو روز گذشته نقاط مسکونی شهرهای آبادان، اهواز، دزفول را با آتش توپخانه و خمپاره‌انداز هدف قرار دادند. در جریان این حملات وحشیانه علاوه بر خسارات مالی و تخریب واحدهای مسکونی تعدادی از هموطنان عزیز ما در شهرهای مزبور شهید و مجروح شدند. جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران روز ۱۴ اردیبهشت نیروهای دشمن را در منطقه جغیر در جنوب سوسنگرد مورد حمله قرار دادند و خسارات و تلفات قابل ملاحظه‌ای به دشمن وارد آوردند. یک ستون خودروی دشمن که در جاده فاو - بصره در حرکت بود هدف آتش یگانهای دلاور نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و تلفات سنگینی به آنها وارد و از ادامه فعالیت‌هایشان جلوگیری بعمل آمد.

در ارتفاعات پیررستم مریوان، هنگامیکه دشمن مبادرت به پیاده کردن نیرو میکرد، به وسیله رزمندگان ارتش و سپاه پاسداران محاصره شد و زیر آتش سلاحهای مدافعان انقلاب قرار گرفت. در این عملیات غافلگیرانه حدود اقل یکصد تن از سربازان صدام به هلاکت رسیدند و تعداد زیادی زخمی شدند و حداقل ۲۳ تن به اسارت درآمدند. همچنین در این عملیات یک گردان نیروهای

## اسناد جاسوسخانه...

بقیه از صفحه ۱

آزادی در تقسیم کار برای استقبال از خمینی بتوافق رسیدند (ارتش باید از فرودگاه و جاده‌ای که به شهباد منتهی میشد، حفاظت کند و نهضت آزادی امنیت بعدش را بعهده داشته باشند) و گروه موافق بودند که ملاقاتهای دیگری هم در روزهای آینده مورد لزوم است. بقول میناچی افراد ارتش گفتند که با تغییرات سیاسی ضروری موافق هستند و ارتش در صورتی تغییرات اینها را قبول میکند که در چهارچوب قانون اساسی باشند. ۴- تحلیل و نظر: هم میناچی و هم انتظام مطمئن بودند که خطر اولیه برخورد بین ارتش و نهضت مسلمانان به اندازه قابل توجهی کاهش پیدا کرده. هیچکدام نمی‌توانستند اطمینان دهند که خمینی جمهوری اسلامی اعلام نکند و بدین ترتیب مقابله سیاسی را برانگیزد، ولی میناچی فکر میکرد خمینی با دیگر علمای از اعلام مواضع قاطع توافق کامل کرده است. انتظام گفت که برخلاف توصیه نهضت آزادی خمینی تصمیم به برکنش به ایران را گرفته بود.

(افشاری شماره ۱۰، صفحه ۴۳ و ۴۴)

مخصوص کلاسین جمعی لشکر ۷ کرکوک به کلی تارومار شد و یک فروند میک عراق با آتش پدافند هوایی مورد اصابت واقع شد و در خاک عراق مقابل مریوان سقوط کرد. در این عملیات غنائمی از قبیل تجهیزات مخا براتی- کلاشینکف، آر. پی. جی. ۷ و مهمات زیادی بدست قوای خودی افتاد و یکصد و پنجاه مین ضد نفر نیز کشف و خنثی شد. در جبهه‌های مهران و ایلام نیز یک خودرو و یک تفنگ ۱۰۶، ۲ سنکر سلاحهای سنگین، ۳ سنکر گروهی و یک میدان مین دشمن منهدم شد و ۹ تن از افسراد دشمن متجاوز کشته و یا زخمی شدند.

# انقلاب فرهنگی و مارکسیسم

## در حاشیه يك مقاله روزنامه «جمهوری اسلامی»

الدين طوسی، اندیشه پرداز کبریت شمع، به پیروی از ابوعلی سینا (که او هم فیلسوف شیعه بود) مشائی می اندیشید، ولی به معنویات ایشان داشت. اما مارکسیسم برای معنویات و از آنجمله فرهنگ در تکامل اجتماعی، نقش عظیم و در مواردی تعیین کننده قائل است، والا این امر در حکم نفی خویش و نفی رهبری فکری و فرهنگی جامعه بود. در این باره نیز به رد کنندگان مارکسیسم توصیه می کنیم که لااقل مقاله «درباره پویائی بینش مارکسیستی» را در ضمیمه تئوریک «نامه مردم» ("دنیای"، شماره ۸، سال ۵۹، صفحه ۳۷) مطالعه کنند، تا ببینند که آیا مارکسیسم "قافیه پرداز" و "قالبی اندیش" است یا نه.

مانعی خواهیم این نوشته را با تکرار مقالاتی، که بدانها اشاره کردیم و مراجعه دادیم، و بر از نقل قولهای روشن کننده از متفکران بزرگ مارکسیسم است، سنگین و مفصل کنیم. وقتی اسلام به شما می گوید: "اطلبوا العلم ولو بالصلین"، یعنی شمارا از خواندن آثار دیگران منع نمی کند، برعکس شما را به تفحص و کنجکاوای فرامی خواند.

ما از هیچکس این توقع بیجا رانداریم که با مارکسیسم یا با بینش حزب ما مبارزه منطقی نکند، ولی قرآن توصیه می کند: "اراعالی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه و جادلهم باللتی هی احسن". شما وظیفه شرعی دارید بهترین، مودب ترین و موثق ترین اشکال مناظره را بیابید. این در ریاست اخلاق اسلامی است، و اگر قلم انداز، هر چه دلتان خواست به مخالف نسبت دهید، در این امید که "الحاد" رازدمی کنید، سرانجام اعتماد نسبت به انصاف و آگاهی و بصیرت خود را از دست خواهید داد.

ولی از دیدگاه جهان بینی انقلابی مارکسیسم، در شرایط زندگی و نبود رنجبران و در دوران حاکمیت ایشان. چنین است، محتوی فرهنگ پرولتاری (ر. ک. به کلیات آثار لنین - جلد ۳۱ صفحه ۲۶۹ و نیز جلد ۲۹ صفحه ۴۶) آنچه که مارکسیست های اصیل در "انقلاب فرهنگی" مائوئیستی انتقاد کردند، جنبه ذهنیت سیاسی، جنبه نفی آمیز آن نسبت به فرهنگ گذشته بشری بود و نه "عینیت" انقلاب فرهنگی، که هیچ انقلابی در جهان بدون آن نمی تواند پاقرص کند و راه بگشاید.

بعلاوه، مفید است که "رد کنندگان مارکسیسم" لااقل برنامه اخیر حزب توده ایران مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی را، که در بند ۵ و ۶ خود، آموزش و پرورش و فرهنگ اجتماعی را مطرح می کند، مطالعه کنند. آیا آن پیشنهادها دلیل آنست که ذهن "قافیه پرداز" و "قالبی" ما برای "انقلاب فرهنگی" در خارج عینیت قائل نیست؟ آیا خود این مقاله حاضر دلیل برنا - درست بودن دعای مطروحه نیست؟

این حکم مضحک، که چون مارکسیسم از دیدگاه عمومی فلسفی و بر - جهان بیجان بر جاندار معتقد است و بر آنست که جهان جاندار از درون جهان

بیجان نشاءت کرده، پس ابتدا نقشی برای امور روحانی و عقلی و فرهنگی قائل نیست، بهتان مبتذل کهنه ایست که از زمان مارکس بوسیله دشمنان آموزش وی مطرح شد و دائماً بوسیله او وانگلس و لنین به شدت رد شد.

فلاسفه مشائی ما هم به "قدم ماده" معتقد بودند، ولی این بمعنای نفی آنها از اهمیت معنویات نبود. خواهان نصیر -

روزنامه "جمهوری اسلامی" در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، مقاله ای در صفحه اول خود نوشت تحت عنوان "انقلاب فرهنگی". در ابتدای مقاله از جمله این جملات رامی خوانیم:

"مارکسیسم بالمجموع در ایران و جهان، چیزی را بنام انقلاب فرهنگی قبول ندارد. علاوه بر این، تجربه انقلاب فرهنگی مائوئیستی در چین، بیش از پیش، ذهن قافیه پرداز و قالبی مارکسیستها را بر این اندیشه جزم کرده است که انقلاب فرهنگی در خارج عینیت نخواهد یافت. اما پیش از آنکه تصفیه ها و اعدا م های دارو دسته چهار نفری، زیر عنوان انقلاب فرهنگی در چین، دخیل اصلی بروزای نوع تفکر در مارکسیسم باشد (؟) اصولاً جهان بینی و فلسفه تاریخی مارکسیستی بصورتی است که ثمره طبیعی و معمولی آن، همینگونه عقاید و آراء است!"

بدنیال این مطالب عجیب، مطالب عجیب تری می آید، حاکی از آن که چون مارکسیسم جهان بینی "الحادی و ماده گرا" است، لذا "اندیشه و تفکر و تعقل راتابعی از تکامل و پیشرفت مواد میدانند" و "بنابراین در این دیدگاه، امکان عینیت انقلابی بنام انقلاب فرهنگی موجود نیست!"

ظاهراً برخی ها هر وقت نوبت به مارکسیسم میرسد، گویا این بیت مولانا جلال الدین مولوی را شعار خود قرار میدهند:

"هیچ آدابی و تربیتی مجوی هر چه می خواهد دل تنگت بگوی"

ولی برخلاف تصور این افراد، که قاعدتاً باید ناشی از عدم علاقه نهایه بررسی مباحثی باشد که آنرا با این شدت و حتی خشونت رد می کنند و نتیجه برخورد بدون مسئولیت آنهاست در مناظرات و مباحثات با مخالفان فکری، اتفاقاً مارکسیسم درست آن جهان بینی است که مسئله "انقلاب فرهنگی" را در کنار انقلاب های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نخستین بار مطرح ساخته و آنرا جزو لاینفک و ضرور نوسازی نظام اجتماعی دانسته است. ما در این باره، هم در خود "نامه مردم" و هم در ضمیمه تئوریک آن (شماره پنجم "دنیای"، سال ۱۳۵۹، صفحه ۶۹) توضیح مفصل داده ایم. ولی بنظر میرسد که "رد - کنندگان مارکسیسم" آنرا خوانده اند و ظاهراً احتیاجی هم احساس نمی کنند که مارکسیسم را در سندیت آن بررسی کنند، زیرا اگر آن مطالب را خوانده بودند و از نظر وسیع و نقشه های همه - جانبه مارکسیستها درباره "انقلاب فرهنگی" خبردار میشدند، شاید مسائل را به حد اطلاعات "بولواری" و "هیجان انگیز" روزنامه ها درباره "باند چهار نفره" و انقلاب فرهنگی قلابی مائو (که هدفش تنها سرکوب مخالفان شخصی بود). تنزل نمی دادند و طرف را جدی نمی - گرفتند و او را آنقدر ابله و مبتذل نمی - پنداشتند.

بسیار خوب! میل شماست! ولی یک چیز مسلم است: اگر مطلبی متضمن حقیقت باشد، مسکوت گذاشتن و یا مسخ کردن خود سرانه اش در طول مدت اثری ندارد و پرتوهای خورشید از ضخیم ترین لایه های ابرسیاه، با انوار ناقب خویش می گذرند.

لنین "انقلاب فرهنگی" را یکی از شرایط اساسی ساختمان جامعه نوین سوسیالیستی میداند (رجوع کنید به کلیات لنین، جلد ۳۳، صفحه ۴۳۵) و نیز مینویسد:

"همه دستاوردهای فرهنگ باید در دسترس همگان قرار گیرد و از این پس هرگز خرد و نبوغ انسانی نباید بوسیله ستمگری یا بهره کشی بدل شود." (کلیات آثار - جلد ۲۶ - صفحه ۴۳۶)

لنین در قبال کسانی که یک فرهنگ پرولتری "قالبی، متضمن نفی و خوار - داشتن آثار فرهنگی گذشتگان اختراع کرده بودند، می نویسد:

"نه "فرهنگ پرولتری" من - در آوردی، بلکه قبول بهترین نمونه های سنن و نتایج فرهنگ موجود انسانی،

## حفظ امنیت دانشگاهها را

## به دانشجویان و دانشگاهیان

## مؤمن به انقلاب بسپارید

چپرو و چپ نما برای ایجاد تشنج و درگیری قرار خواهد گرفت و در نتیجه نقض غرض خواهد بود. بنظر ما، تنها راه مدبرانه، واگذاری حفظ نظم دانشگاه به دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی و مؤمن به انقلاب است.

چنانکه قبلاً نیز یادآور شده ایم، میتوان در آستانه بازگشائی دانشگاهها کنکراهی از نمایندگان گروه های مختلف دانشجویی و دانشگاهی و فادار به انقلاب تشکیل داد. این مجمع بزرگ برای خنثی ساختن فعالیت های ویرانگرانه گروه های تفرقه و تخریب، تدابیری خواهد اندیشید و با تصویب ضوابط و مقررات، از جمله آئین نامه انضباطی و انتخاب شورای نمایندگان گروه های مختلف دانشجویی و دانشگاهی، حفظ نظم و آرامش را در محیط دانشگاهها بر عهده این هیئت منتخب خواهد گذاشت. شورای نمایندگان با اجرای مقررات مصوب کنکراهی، که مورد پشتیبانی اکثریت قاطع دانشجویان و دانشگاهیان خواهد بود، بخوبی قادر به جلوگیری از اجرای نقشه ها و توطئه های ضد انقلاب و تحریکات و نفاق - افکنی ها، خرابکاری های گروه های راست افراطی، چپرو و چپ نما خواهد بود.

دانشگاه با پشتوانه ای از سنت های درخشان مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع یکی از سنگرهای دفاع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر دسیسه های امپریالیسم، بسرکردگی امریکاست. توطئه های ننگین گروهک های ضد انقلابی و منحرف هرگز قادر نیست دانشگاهیان را از راه دفاع از انقلاب و جمهوری منحرف سازد. رویدادهای یکسال اخیر در استان - ها و دبیرستانها اثبات کرده است که اگر نیروهای انقلابی و مردمی هشیار و متحد باشند، ضد انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. امپریالیسم و ضد انقلاب کوشیدند عرصه مدارس را به میدان تاخت و تاز گروهک های آشوب و تشنج بدل سازند. ولی علیرغم همه دسیسه ها، دانش آموزان مؤمن به انقلاب، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، همراه با مربیان و آموزگاران مؤمن به انقلاب، توانستند این توطئه ها را عقیم گذارند و نظم و آرامش را در مدارس مستقر سازند. اگر نوجوانان دانش آموز، که کم تجربه تر و جوان تر هستند، خود قادر به حفظ نظم انقلابی در مدارس شدند، دلیل ندارد که دانشجویان و دانشگاهیان مجرب توان مقابله با ضد انقلاب را نداشته باشند.

باید باور داشت که اگر حفظ نظم و آرامش دانشگاهها با شیوه های منطقی به گروه های متحد دانشجویان و دانشگاهیان مؤمن به انقلاب سپرده شود، گروهک ها هیچ کاری از پیش نخواهند برد، زیرا صف متحد دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی، سیری است آهنگین در برابر هرگونه آشوب و نفاق افکنی. باید به دانشجویان و دانشگاهیان اطمینان کرد، آنان را صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی زیر یک پرچم، یک "شماره یک" هدف، که همبستگی و اتحاد در مقابله با ضد انقلاب و پاسداری از دستاوردهای انقلاب است، گرد آورد و برقراری نظم و آرامش انقلابی را در دانشگاهها به آنان سپرد. آنها بی تردید پیروز خواهند شد.

به توصیه امام خمینی، قرار است دانشگاهها و بویژه آن رشته هایی که در درجه اول مورد نیاز مملکت هستند، کار خود را در زمانی هر چه کوتاه تر آغاز کنند. از مصاحبه های جمعی و فردی اعضا "ستاد انقلاب فرهنگی" با رسانه های گروهی نیز چنین مشهود است که حداقل چند دانشگاه در آغاز سال تحصیلی گشایش خواهند یافت.

دانشگاهها زمانی تعطیل شدند که تحریکات از جانب گروه های راست افراطی، چپرو و چپ نما، موسسات آموزشی را به عرصه درگیری و روبرویی گروه های مختلف بدل کرده بود. و اکنون که صحبت از بازگشائی مجدد دانشگاههاست، باز همان تحریکات از جانب گروه های راست افراطی، چپرو و چپ نما آغاز شده است و بیم آن می رود ویژه خویش، فضای دانشگاهها را متشنج کنند و مانع از آموزش و فراگیری درجوی آرام شوند.

رویدادهای که چندی پیش در تهران، به مناسبت سالگرد تعطیل دانشگاهها بوقوع پیوست و با کمال تاسف منجر به کشته شدن سنفر و زخمی شدن دهها نفر شد، نشان میدهد که بازگشائی دانشگاهها میتواند از جانب گروه های راست افراطی، چپرو و چپ نما، بهانه درگیری و فاجعه آفرین باشد.

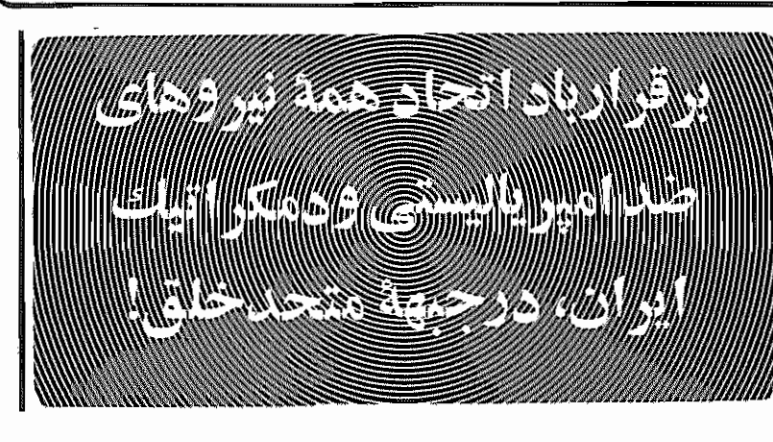
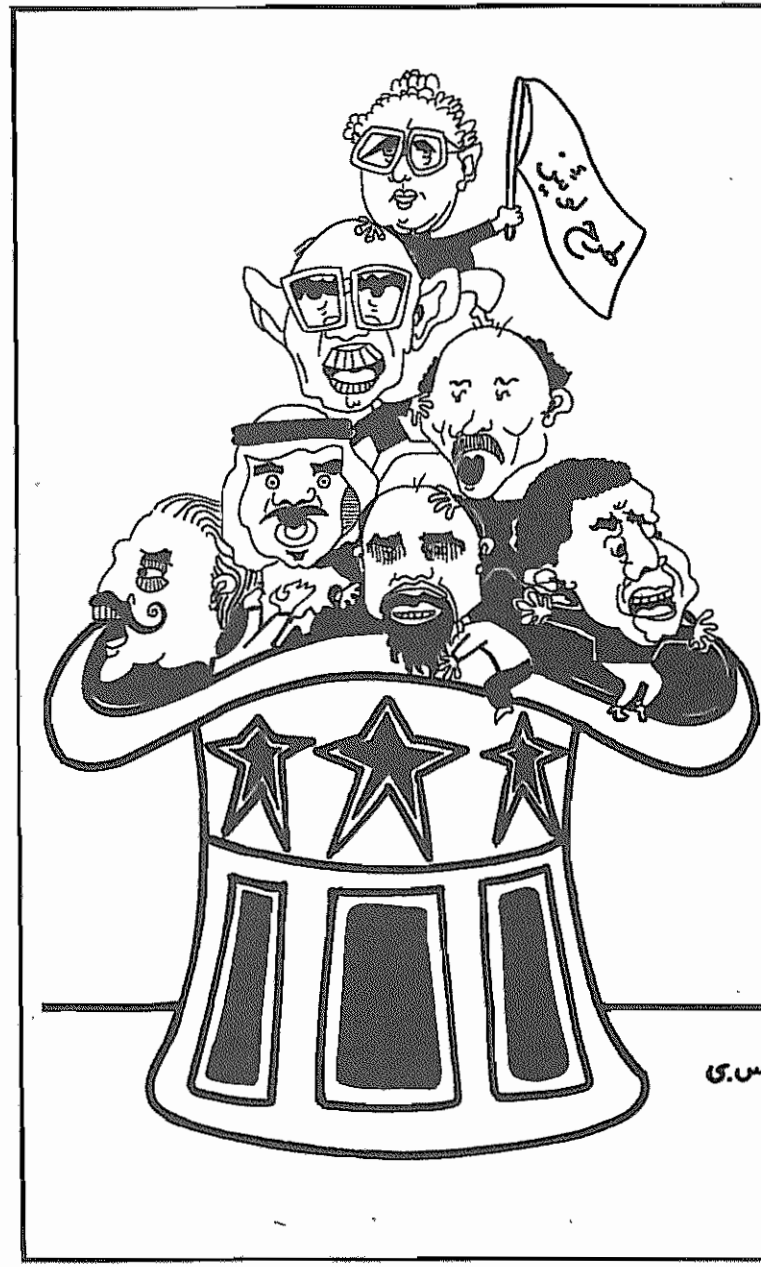
ضد انقلاب سازمان یافته، ساواکی - مائوئیست های آمریکائی و گروهک های همزادشان، همراه با لیبرال های وطنی نمیخواهند کشور آرام گیرد. برای آنها هر اتفاق سیاسی و غیر سیاسی، عمده و غیر عمده، بهانه ای است برای ایجاد تشنج و دامن زدن به جو آشوب، تا زمینه را برای تحقق نقشه های براندازی امپریالیسم آمریکا آماده سازند.

از سوی دیگر، گروه های انحصارگر و قشری نیز بجای آنکه مقابله با اقدامات گروهک های ضد انقلابی و نیروهای تفرقه و نفاق را به عهده مقامات مسئول بگذارند، خود وارد عرصه میشوند و در نتیجه کار به زد و خورد میکشد. رخنه ضد انقلاب و ساواکی ها در میان این گروهها کاملاً مشهود است، زیرا خواست ضد انقلاب فتنه انگیزی و آشوبگری است و این هدف پلید را زیر هر نقاب و هر لباسی دنبال میکنند.

بازگشائی دانشگاهها همسماضد - انقلاب سازمان یافته، ساواکی ها، گروهک های مائوئیستی آمریکائی و نیز عناصر وابسته به لیبرالها و همه مخالفان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهند کوشید تا مانع از استقرار نظم و آرامش انقلابی در دانشگاهها شوند و زمینه تشنج و درگیری فراهم کنند.

نباید چنین پنداشت که میتوان به کمک نیروهای مسلح نظم انقلابی را در دانشگاهها مستقر ساخت. نباید گمان برد که میتوان با توسل به زور، گروهک های ضد -

انقلابی را در دانشگاهها منکوب ساخت. استفاده از نیروهای مسلح و توسل به زور در دانشگاهها بازم مورد سوء استفاده ضد انقلاب و گروههای راست افراطی،



### در حاشیه جشن اول ماهه

الگوی کار مدیران انقلابی:

## تجهیز همه نیروها برای دفاع از انقلاب، تلاش در جهت افزایش تولید

باشد. سال کار و تولید بیشتر به سود انقلاب باشد. سال تحکیم اتحاد زحمتکشان، اتحادی که ضامن حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب است، باشد. سال پیروزی کوخ نشینان بر بهیروی امام خمینی بر کاخ نشینان باشد.

در این پیام به روشنی خط مشی انقلابی ضرور برای اداره واحدها دیده می شود. نکاتی که در این پیام تصریح شده، بیان نامه مدیران انقلابی واحد-های گوناگون تولیدی و خدماتی است. وظیفه مدیریت انقلابی در شرایط کنونی هموار کردن راه برای تولید بیشتر، حفظ آرامش و تفاهم در محیط کار، تجهیز همه نیروها برای مبارزه علیه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا و دفع تجاوز امریکایی است. هیچ برنامه ای جز این نه انقلابی است و نه جوابگوی حداقل انتظار و توقع انقلاب از هیات عامل های واحدها.

هیات مدیره شرکت خدمات پارس، طی نامه ای اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان را به کارکنان این شرکت تبریک گفته است.

در پیام هیات مدیره شرکت خدمات پارس، ضمن تأکید بر این که "کارگران گلوی رژیم سلطنتی را فشرده و به زباله دان تاریخ سپردند"، آمده است که کارگران:

"امروز نیز ستون فقرات نیروهای را تشکیل می دهند که برای تثبیت و تعمیق انقلاب پرشکوه اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به نفع کوخ نشینان نبرد می کنند."

در پایان این پیام، هیات مدیره اظهار امیدواری کرده است که روز کارگر امسال، سرآغاز سال سلامتی رهبر بزرگ انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی باشد.

سال پیروزی جمهوری جوان اسلامی ایران بر شیطان بزرگ و سگ هارش صدام

### از گفتگوی خبرنگاران «نامه مردم»

#### با کارگران و زحمتکشان

نیستیم، باید با اتحاد و کار مداوم وی-توقع در پشت جبهه، دشمن را شکست بدهیم.

حسین، کارگر تعمیرگاه تراکتور-سازی (بندرعباس): در باره انقلاب "انقلاب همیشه کار زحمتکشان است. هم فداکاری ها و زجرها و تلفات جانی اش هم ثمرات آن. انقلاب ما هم همینطور است. پس ما باید به هر قیمت از آن پاسداری کنیم."

در باره ضد انقلاب "ضد انقلاب گوش بزننگ است. ولی ما با هشیاری و اتحاد خود، دولت هم با عملکردهای و انقلابی اش، هر توطئه را خنثی خواهیم کرد."

در باره تولید کارگران باید همه تلاش خود را بکار ببرند. دولت هم باید با تامین خواست های برحق آنان، با ملی کردن اموال غارتگران و کارخانه های سرمایه داران بزرگ، نقش خود را ایفا کند.

در باره جنگ تحمیلی "آمریکایی خواهد بوسیله عراق انقلاب ما را شکست دهد. ما با اتحاد و باکم کردن توقعات خود و توجه به کمبودهای فعلی و ضرورت تحمل و شکیبایی، در این جنگ پیروزی شویم."

استادولی، مکانیک تعمیرگاه جنرال (بندرعباس): درباره انقلاب

"انقلاب هنوز تمام نشده. باید آمریکا را بیرون کنیم و در سطح جهان افشایش کنیم. از توطئه ها نباید ترسید. ضد-انقلاب سعی می کند از اشتباهات ریز و درشت ما سوء استفاده کند و بر سر راه ما سنگ اندازی کند. فقط با حفظ اتحاد علیه آمریکا، همه نقشه های دشمن خنثی میشود. گران فروش و موحتکر و سرمایه-داران بزرگ غارتگر پایه های محکم ضد-انقلابند، باید با قاطعیت جبهه آنان را درهم شکست. درباره تولید

"تولید باید افزایش یابد. برای بالا بردن تولید باید کارخانه ها و شرکت های خصوصی هر چه بیشتر ملی شوند. کارگران هم باید لگرمی کارکنند."

"البته دولت نسبت به یکسال قبل خیلی قاطع تر شده است. ولی باید بازگانی خارجی راهم سریع تر ملی کرد و کمبودها و گرانی را از میان برد. درباره جنگ تحمیلی

"معلوم است که جنگ را آمریکا برنامه-ریزی کرده است. همه باید از وطن انقلابی خود دفاع کنیم. اگر در جبهه

# شرکت «پرسیز یون» را از حالت رکود بدر آورید!

افزایش دهد. ضمناً کارگاه دستگاه قابلیت تغییر اندازه به بعد ۱۵×۱۵ یا ۲۵×۲۵ را دارد. همچنین دستگاه "ساب" در جوار آن، موزائیک های ساخته شده را ساب میزند و ماده استفاده می کند. این کارگاه با استفاده از جمع کارکنان تعاونی شروع بکار کرد و هنوز معلوم نیست به چه طریق با آنها قرارداد خواهد بست. چنین به نظر می رسد که این کارگاه بتواند، بدون توجه به مسئله پیمانی بودن کارگران، با بازدهی هزینه معقول بکار خود ادامه دهد.

ببخشد. این مسئله مورد اعتراض استانداری، فرمانداری و مرکز گسترش قرار گرفت و به همین جهت از طرف استانداری مدیریت جدیدی برای شرکت در نظر گرفته شد. اعضا و مدیریت جدید، چون قبلاً در مراکز گسترش استان فعالیت می کردند، تصمیم دارند که ارتباط شرکت را با مرکز گسترش محکم تر کنند و گروه های مشغول بکار را اجباراً برای ثبت رسمی به مرکز گسترش اعزام دارند.

### کارگاه های تولیدی

۱- کارگاه بلوک زنی: این کارگاه، یکی از کارگاه های تدارکاتی است که با حدود سی و سه نفر پرسنل استخدامی مشغول به کار است. در این کارگاه روزانه بطور متوسط ده هزار قالب بلوک به ضخامت های ۱۵ و ۱۰ سانتیمتری تولید می شود. مصالح مصرفی آن شن ریزوماسه و سیمان است و بعلاوه در اختیار داشتن سنگ شکن و سیمان، کمبودی در مورد مواد اولیه وجود ندارد. کارگاه بلوک زنی می تواند در صورت تامین آب مصرفی - تولید روزانه خود را تا ۲۵ الی ۳۰ هزار بلوک افزایش دهد. نکته قابل توجه اینکه مقدار بلوک تولیدی این کارگاه، با توجه به پرسنل موجود و در اختیار داشتن مصالح از نظر هزینه در حد متوسط قرار دارد. بنابراین پیمانی کردن کارگاه هیچگونه امتیازی برای شرکت در پی نداشته است.

۲- کارگاه سنگ شکن: در حال حاضر این کارگاه با ظرفیت محدود مشغول به کار است و می تواند به راحتی احتیاجات پروژه را تامین کند. دو کارگاه سنگ شکن شرکت، یکی در مسجد سلیمان و دیگری در شوشتر قرار دارند، که دومی بیشتر ماسه شسته رودخانه های برای کارگاه تهیه می کند و پرسنل آن نیز، که قبلاً در جبهه سازندگی شوشتر کار می کردند، اسخدا می هستند.

۳- کارگاه اکسیژن: این کارگاه احتیاج به پرسنل زیادی ندارد و تولید روزانه آن حدود یکصد و پنجاه کیسول است، که با توجه به شرایط مناطق جنگی، در سطح استان از اهمیت زیادی برخوردار بود، که متأسفانه بر اثر انفجار بکلی از بین رفت.

۴- کارخانه آسفالت: این کارخانه ظرفیتی در حدود یکصد و پنجاه تن در ساعت دارد. متأسفانه پس از پیروزی انقلاب، بعلاوه گماردن شخص بی-اطلاعی در راس کارخانه و دستکاری در دستگاه تمام اتوماتیک، عملاً کارخانه از کار افتاده است و افراد جدیدی هم که عهده دار راه اندازی کارخانه شده اند، نمی توانند کاری انجام دهند.

۵- کارگاه موزائیک سازی: این کارگاه اخیراً کار خود را از سر گرفته است و در حال حاضر روزانه یک فرنگی هزار و هفتصد قالب موزائیک فرنگی ۳۰×۳۰ تولید می کند. این کارگاه می تواند، در صورت احتیاج، ظرفیت خود را تا سطح روزانه پنج هزار قالب موزائیک

پروژه هوانیروز مسجد سلیمان شامل پایگاه و منازل مسکونی هوانیروز و تاسیسات جنبی، از قبیل تصفیه خانه گذار لندر و منابع آب و چند ساختمان جنبی است. انجام کارهای مربوط به این پروژه در سال ۱۳۵۴ به یک شرکت خصوصی ساختمانی بنام "پرسیز یون" واگذار شد. پس از پیروزی انقلاب، مدیر عامل و سهامداران شرکت متواری شدند و از طرف دولت وقت یک نفر مدیر عامل عهده دار امور شرکت شد. این شرکت برای انجام کارهای خود از اداره مهندسی ارتش - مجری طرح - تقاضای اعتبار مالی کرد، ولی با این خواست مشروع شرکت مخالفت شد. این مسئله باعث شد که شرکت نتواند به حیات خود ادامه دهد. در ضمن وضع شورای کارکنان هم، که در عملکردهای خود دچار اشتباهاتی شده بود، مزید بر علت شد و با تعطیل شدن کارگاه، حدود هزار و هفتصد نفر از کارگران و کارکنان شاغل آن بیکار شدند.

پس از تعطیل شدن کارگاه، استانداری خوزستان عهده دار امور شرکت شد و با تأمین اعتبارات لازم، کارگاه را از نو بر راه انداخت. با شروع جنگ، در کار راه اندازی کارگاه ها دوام وقفه ایجاد شد، ولی مجدداً برخی از کارگاه های تولیدی نظیر بلوک زنی کار خود را از سر گرفتند. در همین زمان کارگاه های ساختمانی ابتدا با کارگران روز مزد و سپس با جمع آوری کارگران متخصص و ساده در گروه های تعاونی، بصورت مقاطعه کار جزء کارگاه های دنبال هم شروع بکار کردند. شروع کار باروش جدید و با سرعت بیشتری نسبت به سال قبل ادامه یافت. متأسفانه عدم کارآیی گروه ها، که صرفاً بخاطر بیکاری و نیاز مالی شدید شروع بکار کرده بودند، در آخر ماه از نظر تناسب بین درآمد حاصل از کارکرد حقوق دریافتی آنان مشکلی ایجاد کرد. برخی از گروه ها، که اصولاً با شیوه پیمانکاری آشنایی نداشتند و در این جریان ضرری متوجه آنان نشده بود، از ادامه کار دلسرد شدند. البته مدیریت پروژه با افزایش قیمت ها سعی کرد تا اندازه ای این ضرر را جبران کند، ولی باز هم مسئله ضرر گروه ها به قوت خود باقی است.

در جوار کار گروه های تعاونی، تعدادی پرسنل هم بصورت استخدامی وجود دارند که کارهای مربوط به تدارکات و خدمات کارگاه ها و نیز امور مربوط به حفاظت را انجام می دهند. بعنوان نمونه می توان از کارگاه بلوک زنی، که یک کارگاه تدارکاتی است، و همچنین از کارگاه های سنگ شکن و تعمیرگاه نام برد. مدیریت پروژه، که از جانب استانداری به این کار منصوب شده بود، مسئله ارجاع کار به گروه های تعاونی، را که می بایست از طرف مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی معرفی شده باشند، نادیده گرفت. او در مقابل سعی کرد که با بهره گیری از افراد خارجی از شرکت، از سویی کارگران خارجی را راضی کند و از سویی دیگر با انجام کار بصورت پیمانی، به کار سرعت بیشتری

### گروه های تعاونی و مشکلات آنها:

اصولاً در گروه های موجود تعداد افراد بسیار خفیلی کم است و تهیه صورت وضع آنها همواره مشکلاتی در پی دارد و در نتیجه عموماً توسط مسئولین کارگاه ها تهیه می شود. گروه هایی که در آخر هر ماه ضرری کنند، چون با این شیوه کار کردن آشنایی ندارند، هنگام دریافت حقوق خود - که کمتر از حد متعارف است - مسئولین کارگاه ها را مسئول کم بودن حقوق خود می دانند. همین مسئله مدیریت شرکت را بر آن داشته است که

راه حل را در بکار گرفتن گروه های طرح و گسترش، که افراد دیپلمه هم در میان آنها وجود دارند، بدانند. در اینجا این سؤال پیش می آید که آیا یک نفر دیپلمه می تواند با به عهده گرفتن حسابداری گروه، امور مربوط به پرداخت صورت وضع کارگران را انجام دهد؟ مشکل مهم دیگر گروه ها عدم سازش افراد در گروه ها است، که دائماً منجر به تقسیم آنها به دو گروه مجزا می شود و دائماً در بین گروه ها بر سر دستمزد درگیری وجود دارد.

\*\*\*

بیم کارگران گروه های تعاونی شرکت از سر نوشت نامعلوم خود از طرفی و سردرگمی که تا بحال مسئولین به آن دچار بوده اند، از طرف دیگر، موجب بی نظمی در کارهای شرکت شده است. بی شک اگر کار شرکت بر همین متوال پیش رود، شرکت با مشکلات به مراتب سخت تری روبرو خواهد شد.

عدم انضباط در کارها بعلاوه ضعف مدیریت در اداره امور، عدم برنامه ریزی دقیق و بی توجهی به خواست های برحق کارگران، از دلایل عمده رکود در کار شرکت پرسیز یون است.

در شرایط حساس کنونی، که پیش از هر زمان نیاز به تامین خودکفایی احساس می شود، می توان با گماردن افرادی دلسوز و معتقد به انقلاب، با برطرف کردن نقایص موجود، همه کار گاه های شرکت پرسیز یون را در خدمت به امر انقلاب به فعالیت هر چه بیشتر واداشت.

### توضیح و تصحیح

شده است، که برابر بخش نامه رئیس خدمات مالی و عضو علی البدل هیات سرپرستان شرکت ملی نفت تحت عنوان "مصوبه شماره ۱۶۰ هیات سرپرستان بیان دقیق آن به شرح زیر است: "شش درصد پس انداز سهم شرکت برای سال ۶۰ و شش ماه دوم سال ۱۳۵۹، که پرداخت نگردیده، در بودجه سال ۶۰ منظور گردد."

در ارتباط با درج خبری تحت عنوان "هشیاری کارکنان خطوط لوله مخازن شاهرود" در "نامه مردم"، مورخ ۵۹/۱۲/۲۶، تصحیح زیر ضروری است. در خبر، "حذف سهم کارفرما از بابت پس انداز کارگران و کارمندان"، یعنی سهمیه ای که به میزان ۶٪ از حقوق کارکنان، از طرف شرکت نفت به پس انداز آنان اختصاص داده می شد، مطرح

دارد. از طرف دیگر، در شرایطی که میهن ما به ذخیره مواد غذایی، بویژه گندم، نیاز دارد، باید طرح تکمیل سیلوهای کشور را پیگیرتر دنبال کرد.

بر عهده مسئولین و مقامات مربوطه است که در زمینه پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران اقدام کنند، و با توجه به مسئله مدیریت و راه اندازی کارگاه ها، اجازه ندهند که کارگران بیکار شوند، طرح ها ناتمام و ناقص باقی بماند و بلا تکلیفی جای برنامه ریزی جامع را، که از ضروریات انقلاب است، بگیرد.

### تعطیل کردن طرح های ناتمام و بیکار کردن کارگران، بزبان میهن انقلابی و بسود دشمنان انقلاب است

(نیمی محلی و نیم دیگر غیربومی) شد. در سایر کارگاه های شرکت، در شهرهای قم، اراک، تبریز و رشت نیز تعدادی از کارگران بیکار شدند. ناگفته پیداست که نبودن تامین شغلی برای کارگران، به ویژه اخراج آنان در شرایط کنونی، که لشکر بیکاران و تامین کار برای آنان مشکل جدی است، چه خطراتی از نظر نارضایتی کارگران و بهره برداری ضد انقلاب در بر

بدنبال مشکلاتی که در کارگاه سیلوی تانکستان در ۶۰/۱/۲۶ بروز کرد و خبر آن در شماره ۴۹۳ "نامه مردم" درج شد، سازمان غله کشور (کارفرمای این پروژه) در تاریخ ۶۰/۲/۸ تصمیم گرفت که این کارگاه و کارگاه های دیگر شرکت "آر. جی. اس" را، که مقاطعه کار این طرح بود، تعطیل کند. این مسئله در تانکستان منجر به بیکار شدن صد و هفتاد تن از کارگران

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیش قدم است!

### ویژه مهمترین مسئله روستاهای ما

مهمترین مسئله روستاهای مبین انقلابی ما در مقیاس سراسر کشور، مسئله زمین است. نامشروعی برای بزرگ مالکی حل نشود، یعنی کسبه زمینها به دهقانان زحمتکش واگذار نشود، سایر مسائل روستاهای ما اقتصاد کشاورزی ما حل نخواهد شد. این واقعیت را خود دهقانان در چهار گوشه کشور می گویند و همه انقلابیون راستین با آن همصدا هستند که باید بند «ج» و بند «د» قانون واگذاری زمین فوراً و فاطحانه به مرحله اجرا درآید تا کشاورزی مابوسی رونق و شکوفایی بیورد، آرامش و اطمینان در روستاها حاکم شود، و جنایت و شرارت و فساد دهات ما ترک کند و محصول بیشتر و زندگی بهتر شود. آنچنان که شایسته انقلاب است.

صفحه دهفتم، شماره امروز به این مهمترین مسئله روستاهای ما اختصاص دارد.

## طومار دهقانان زحمتکش روستاهای ایلوار و چهارده در حمایت از اجرای هر چه سریعتر بند «ج»

سیل طومارهای دهقانان زحمتکش جهت اجرای هرچه سریعتر بند «ج» قانون اصلاحات ارضی، همچنان ادامه دارد. اینبار دهقانان روستاهای ایلوار و چهارده (اطراف گرگان) طوماری تهیه کرده اند و برای مقامات مسئول ملکتی ارسال داشته اند، که در زیر متن آنرا می خوانید و کلیشه آنرا هم می بینید:

ما مالکین و سرمایه داران بزرگ را به پای میز محاکمه می کشیم. آنها حقوق کارگران و رعایا را برده اند. بدین جهت مالک کارخانه ها و زمین های خود نمی باشند. "امام خمینی"

پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی، مژده زندگی بهتر را به محرومان و مستضعفان جامعه داد. ما دهقانان در رژیم گذشته محرومیت های زیادی را متحمل شدیم. بخاطر همین هم هست که از این انقلاب با تمام وجودمان دفاع کرده و خواهیم کرد. ما بخوبی می دانیم که هدف شیطان بزرگ و نوکرش صدام اینست که از پیشرفت انقلاب و ثمرات ارزنده ای که برای ما دهقانان و

زحمتکشان بهار آورده می آورد جلوگیری کند. ما دهقانان کم زمین و بی زمین سیستمی ساکن سرزمین ایلوار و چهارده اکنون گذشتگان اینک حاضریم در جبهه نبرد علیه شیطان بزرگ و صدام مزدور شرکت کنیم بلکه باید با کار و تولید بیشتر پشت جبهه را تقویت نمائیم تا بر شیطان بزرگ و نوکرانش پیروز گردیم.

به همین خاطر ما خواستار آنیم که قانون اصلاحات ارضی مخصوص بند «ج» آن که با تأیید امام، توسط فقهای عالیقدر آیت... منتظری، آیت... مشکینی، آیت... بهشتی تهیه شده و شورای انقلاب هم آنرا تصویب نموده هر چه زودتر اجرا شود تا دست بزرگ مالکان این کارشکنان پیشرفت انقلاب و پیروزی بر شیطان بزرگ و صدام مزدور از روستاهای مبین ماکوتاه شود.

رونوشت: ۱- دفتر امام ۲- دفتر آیت... منتظری ۳- مجلس شورای اسلامی ۴- دفتر نخست وزیر ۵- هیئت هفت نفره گرگان ۶- جراید محل امضای زارعین سیستمی ساکن سرزمین های قرا ایلوار و چهارده"

## توطئه فئودالها و بزرگ مالکان در روستای کیکانلو و روستاهای اطراف، فقط با اجرای بند «ج» خنثی میشود

فئودالها و بزرگ مالکان روستای کیکانلو از توابع بخش مانه و در ۴۸ کیلومتری شهرستان بجنورد، فعالیت های خود را علیه دهقانان زحمتکش تشدید کرده اند و از کشت آنان جلوگیری می کنند.

این بزرگ مالکان ۲ نفر هستند. جمعیت این روستا در حدود ۱۲ خانوار است و بیشتر آنان (۶۰ درصد) خرده مالکند. در حدود ۲۰ الی ۳۰ خانوار کارگر شهری و تعدادی هم کارگر فصلی در روستا زندگی می کنند. دهقانان زحمتکش این روستا در مهرماه سال گذشته، هنگام کشت پائیزه، با در دست داشتن عکس هایی از امام خمینی و آیت الله منتظری، به سرزمین های بزرگ مالکان و فئودالهای منطقه رفتند و زمین ها را کشت کردند. هیئت هفت نفری منطقه نیز از دهقانان پشتیبانی کرد. این عمل مورد تأیید دهقانان روستای کوشکی نیز قرار گرفت و آنها زمین های یکی از این فئودالها را بزرگ کشت بردند.

فئودالها و بزرگ مالکان تراکتوردارهای منطقه را تهدید کردند که برای شخم زدن سرزمینهای بیرون متاسفانه وجود عناصری در پاسگاه منطقه باعث شده فئودالها و بزرگ مالکان غارتگر موق به جلوگیری از کشت دهقانان شوند. زمانیکه بر اثر سردی خواهی دهقانان ستم دیده، هیئت هفت نفری به روستا آمد، یکی از فئودالها، که در جمع روستائیان حضور داشت، برای آنکه بخمال خود به آنها توهین کند آنها را "حمال" خطاب کرد. یکی از دهقانان در پاسخ او گفت:

"بله ما حمال هستیم، برای اینکه سالیانه زحمت ۵۰ تن گندم و ۴ تن پنبه و جالیز ترا با پشتمان تحمل می کنیم!"

سرانجام دهقانان موفق شدند، با کمک هیئت هفت نفری، زمینها را کشت کنند، اما فئودالها و بزرگ مالکان دست از توطئه برنداشتند. آنها عده ای از افراد ناآگاه را تطمیع کردند و آنها را مسلح ساختند، تا با همکاری فئودالها و بزرگ مالکان، ایلوار و بزرگ مالکان را تهدید کنند.

در منطقه ایجاد کنند. این توطئه با هشیاری دهقانان خنثی شد. این فئودالها و بزرگ مالکان، به همراهی همان فئودالی که متهم به حلق آویز کردن دهقان شیرآبادی است، باند تشکیل داده اند و علیه هیئت هفت نفری و دهقانان زحمتکش فعالیت شدید می کنند.

جادار که مقامات مسئول با اجرای بند «ج» و بند «د»، کلیه اراضی سایر داتر بزرگ مالکان را مشمول قرار دهند. و هر چه سریعتر به مالکیت دهقانان روی زمینهای این غارتگران زورگوشه قانونی و رسمی ببخشند و با اتخاذ تدابیر جدی جلوی توطئه های آنها را سد کنند. در همانحال باید عناصری را که در پاسگاه نفوذ کرده اند و از این طریق به بزرگ مالکان ضدانقلابی بیاری می رسانند، شناسایی و پاکسازی کرد.

لازم است دهقانان بی زمین و کم زمین نیز اتحاد خود را با دهقانان خرده مالک حفظ کنند و چون تن واحد توطئه های گسترده بزرگ مالکان را خنثی کنند.

## خواستار کوخ نشینان «آق مزار» بجنورد، اجرای کامل طرح واگذاری زمین است

روستای آق مزار، از توابع بخش مانه، (۶۲ کیلومتری بجنورد) دارای جمعیتی حدود ۱۵۰ خانوار است. از این جمعیت در حدود ۴۰ درصد ارضی زمینها و کم زمینها تشکیل می دهند. بزرگ مالک ده دارای ۲۰ هکتار زمین است و یک کارخانه پنبه پاک کنی نیز در شهر بجنورد دارد، که دسترنج دهقانان زحمتکش روستا را توسط سلف خری غارت می کند.

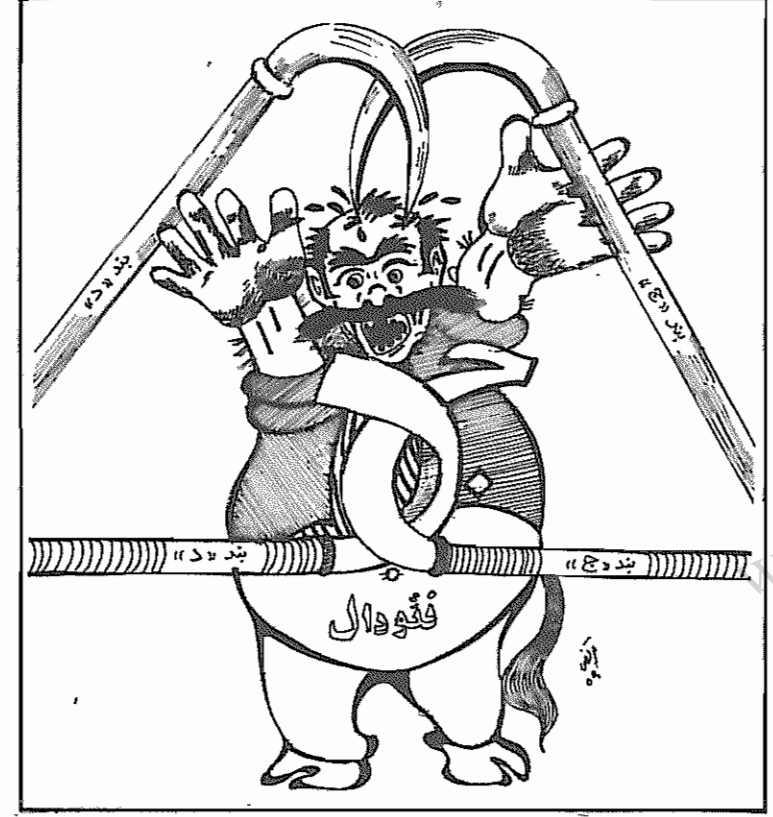
امکانات رفاهی روستا عبارتست از: مدرسه ابتدایی و حمام و مسجد و آب لوله کشی ناقص. روستا دارای شورای است که از طرف جهاد سازندگی بجنورد به رسمیت شناخته شده است.

محصولات عمده روستا گندم، جو و پنبه است. برای کشت پائیزه سال ۵۸، دهقانان زحمتکش می خواستند زمین های ارباب را کشت کنند، ولی توسط پاسگاه منطقه از اینکار آنها جلوگیری شد. حتی تعدادی از دهقانان روستا، مبنی بر اینکه "به سرزمین های ارباب نروند"، توسط پاسگاه گرفته شد.

در موسم کشت پائیزه ۵۹، روستائیان با شور و مشورت یکدیگر به

بجنورد ضمن پشتیبانی بی دریغ مان از انقلاب اسلامی و جنگ علیه امپریالیسم و مزدوران و دست نشاندهانشان (صدام کافر) و پشتیبانی از نهادهای انقلابی بویژه هیئت ۷ نفری واگذاری زمین در بجنورد، از حضور باسعادت امام و دولت جمهوری اسلامی توقع داریم که ترتیبی داده تاهیئت های واگذاری هر چه زودتر با قاطعیت قانون واگذاری زمین به دهقانان را امر فرموده تا اجرا کنند و ستم بزرگ مالکی را براندازند.

در پایان، نمایندگان این هیئت خواستار امکانات زندگی و کشت برای دهقانان شده اند. خواستهای نمایندگان دهقانان به شرح ذیل است:



شیطان دهات (فئودال) را در بند «ج» و «د» اسیر کنیم

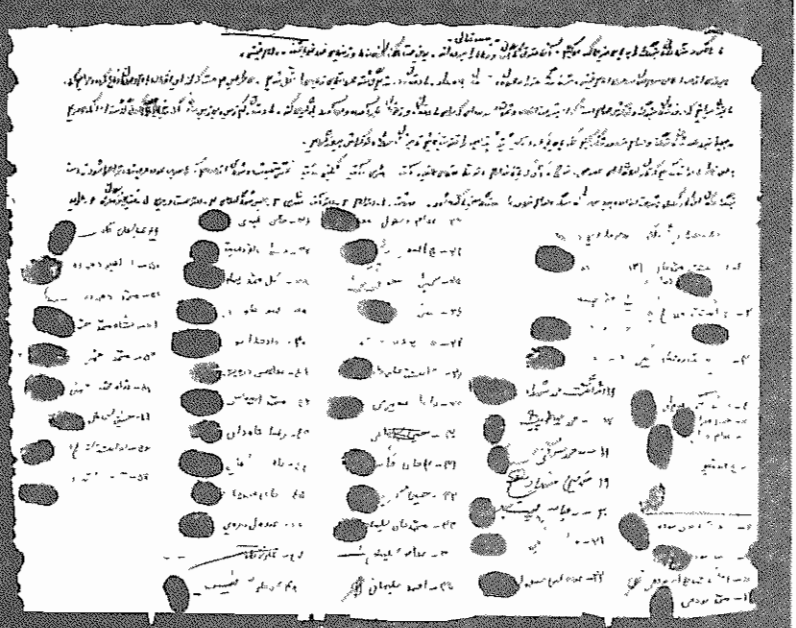
دادگاه انقلاب شکایت بردند. آنها می گویند:

"هیئت ۷ نفری برای تحقیق به این محل آمدند، ولی برای بار دوم هرگز نیامدند خبر بگیرند"

دهقانان زحمتکش آق مزار بارها به دادگاه انقلاب شکایت بردند و از نهادهای انقلابی شهرستان بجنورد استمداد طلبیدند، ولی تاکنون به داد آنها رسیدگی نشده است.

پس از تعویق بند «ج» طرح واگذاری زمین، بزرگ مالک با گستاخی بیشتری علیه دهقانان زحمتکش آق مزار توطئه می کند. دهقانان رنج کشیده روستا می

- ۱- اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی،
  - ۲- قراردادان روغن بطور مستقیم در اختیار مستضعفین روستایی،
  - ۳- جلوگیری از کارشکنی پیمانکار چغندر، که طرفدار بزرگ مالکان است،
  - ۴- رسیدگی به شکایات روستائیان.
- در ضمن نویسندگان نامه متذکر شده اند که نمایندگان قبلی هیئت ۷ نفری مورد قبول آنها هستند. قابل ذکر است که اعضای این هیئت، نمایندگان موقت هستند.
- ۹۹ نفر از دهقانان زحمتکش با اثر انگشت و امضای خود، محتویات نامه را تأیید کرده اند.



## نمایندگان هیئت هفت نفری بجنورد طی نامه ای به امام خمینی و دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار اجرای بند «ج» شدند

اخیرا نمایندگان هیئت هفت نفری بجنورد در روستاهای مختلف بخش مانه و سلفقان طی نامه ای به امام خمینی و دولت جمهوری اسلامی ایران، خواستار اجرای فوری بند «ج» قانون اصلاحات ارضی و کوتاه کردن دست بزرگ مالکان از جان و مال دهقانان زحمتکش شده اند. در قسمتی از این نامه آمده است:

"با (کم) کار شدن هیئت ۷ نفری متوقف شدن بند «ج» بزرگ مالکان و سرسپردگان فراری آنها ماندگار شده اند و دست از توطئه و خیانت بر نمی دارند و همچنان به کارشکنی و سنگ اندازی پیش پای دهقانان ستم دیده و خرابکاری در

قوانین مصوبه جمهوری اسلامی و جلوگیری از ریشه دار شدن و تعمیق انقلاب شوکهندگان مشغولند. فئودال های بی انصاف جسارت و بی شرمی را به حدی رسانده اند که عده ای از عناصر خائن به انقلاب را تحریک نموده اند و این بی انصافان با برخورد های مسلحانه با دهقانان مانوس سلفقان از توابع شهرستان بجنورد خون بپا کرده و هیئت ۷ نفری واگذاری زمین مستقر در بجنورد را تهدید به مرگ می نمایند. ای امام، ای روح مستضعفین و ای دولت فعال جمهوری اسلامی، ما دهقانان مانه و سلفقان توابع

**امام خمینی:**  
حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند، به محرومین باز پس داده می شود

سیمار "کمیته‌های بهداشت و درمان جهاد سازندگی"، که به مدت سه روز از اول اردیبهشت‌ماه سال جاری در تالار ابن‌سینا دانشگاه تهران در جریان بود، با ارائه پیشنهادهای سازنده‌ای در زمینه رسیدگی به وضع بهداشت و درمان جنگ‌زدگان، مناطق روستایی و... به کار خود پایان داد. در قطعنامه این سمینار از جمله آمده است:

"با توجه به اصلی بودن مسئله جنگ و جنگ‌زدگان، توجه مسئولان را به بهداشت و درمان مجروحین و آوارگان جنگی و بررسی وضع آن‌ها معطوف می‌داریم و خواستار بسیج نیروهای فعال ارگان‌ها بمناطق جنگی می‌باشیم و طرح مسائل انحرافی را محکوم می‌کنیم." (کیهان، ششم اردیبهشت ۵۹)

قطعنامه همچنین نظر مسئولین

## به پیشنهاد های جهاد سازندگی در زمینه بهداشت و درمان توجه کنید

را به لزوم گسترش خدمات پزشکی و درمانی در روستاها جلب و برنامه‌هایی در این ارتباط ارائه کرده است: "اولویت پیاده‌نمودن طرح شبکه‌های بهداشتی در مناطق محروم کشور در کنار مراکز خدمات روستایی، کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی با توجه به نیاز مناطق محروم، با استفاده از امکانات موجود، بویژه دانشکده بهداشت، سعی در تربیت نیروهای ثابت لازم، با اولویت نیروهای روستایی و بومی بنماید. پیشنهاد می‌شود شورای متشکل از نمایندگان جهاد سازندگی دانشگاهی،

وزارت بهداشتی، سپاه پاسداران در همه استان‌ها نظارت بر بهداشت و درمان روستاها را بعهده گیرند. (همان جا)

قطعنامه همچنین خواستار شرکت نماینده کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی در مدیریت و تشکیلات ستادی وزارت بهداشتی و سازمان‌های منطقه آن شده است.

قطعنامه ضمن انتقاد از حاکمیت سیستم گذشته بر نظام پزشکی، خواستار انتخابی بودن هیئت مدیره آن شده است.

گسترش خدمات پزشکی در مناطق محروم، از جمله پیشنهاد های سازنده انجمن‌های بهداشت و درمان جهاد سازندگی است.

ما ضمن آرزوی موفقیت برای فعالیت‌ها و اقدامات آتی "کمیته درمان و بهداشت جهاد سازندگی" و دیگر بخش‌های آن، توجه مسئولین جمهوری

اسلامی ایران را به این پیشنهادها جلب می‌کنیم و از آنان می‌خواهیم که با استفاده از این پیشنهادها

همچنین طرح‌های سازمان‌ها و گروه‌های هوادار انقلاب، در جهت حل مشکلات بهداشتی ایران، که بخش اعظم آن میراث شوم نظام طاغوتی گذشته است، قدم‌های سازنده بردارند.

## به وضع استخدامی در استان چهارمحال بختیاری رسیدگی کنید

بیشتر مسئولین و مجریان دولتی در استان چهارمحال بختیاری بجای آنکه از افراد محلی باشند، از اهالی اصفهان هستند. مسئولین امر برای علت این انتصاب‌ها دلالی آورده‌اند که به هیچوجه با قانون جمهوری اسلامی ایران مطابقت ندارد از سوی دیگر افراد محلی شاغل در ادارات نیز تحت فشار قرار گرفته‌اند، که پست خود را ترک کنند. این امر در کنار نفوذ بعضی عوامل ضدانقلاب در ادارات شهر، مجموعاً باعث نارضایتی مردم شده است.

ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که از چنین اقدامات، که نه تنها مخالف با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، بلکه باعث نارضایتی مردم نیز می‌شود، جلوگیری کنند و اجازه ندهند که جو تشنج و آشوب دیگری بوجود آید.

## به مشکلات بیمارستان دکتر مصدق شهر کرد رسیدگی کنید!

بیمارستان دکتر مصدق شهرکرد به علت افزایش تعداد مراجع کنندگان و نارسایی‌های خدماتی برای درمان بیماری‌های مختلف در سطح منطقه، با مشکلات فراوانی روبروست. نبودن تجهیزات و وسایل و امکانات کافی در بیمارستان، کمبود پزشک متخصص و تکنیسین‌های ورزیده، فقدان مدیریت صحیح در بخش‌های کلینیکی و پاراکلینیکی، کمی ظرفیت بیمارستان نسبت به تعداد بیماران، عدم توجه به مسائل رفاهی کارکنان و کادر زحمتکش بیمارستان و همچنین نبودن بهداشت کافی و هوای آلوده در محیط بیمارستان، از مشکلات اساسی این بیمارستان است.

ما از مقامات مسئول می‌طلبیم که هرچه زودتر با احداث یک بیمارستان مجهز در شهرکرد، با توجه به جمعیت این شهر، در جهت حل این مشکل اقدام کنند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

## به مشکل آب آشامیدنی غیر بهداشتی مردم سیستان رسیدگی کنید

مردم سیستان و بخصوص اهالی زابل و روستا نشینان اطراف آن، از مشکل آب آشامیدنی غیر بهداشتی به شدت رنج می‌برند. آب آشامیدنی این زحمتکشان، که اکثراً در ۶۰۰ روستای این منطقه سکونت دارند، بطور عمده از آبی تامین می‌شود که توسط شاخه‌های فرعی رودخانه هیرمند به منطقه می‌آید، آبی که می‌توان گفت تقریباً فاضلاب رودخانه هیرمند است و در مسیر خود مقدار زیادی گل و لای به همراه می‌آورد. از سوی دیگر، به علت سرباز بودن مسیر و عبور از روستاهای مختلف، فاضلاب این روستاها نیز در آب وارد می‌شود و در نتیجه میکروب بیماری‌های گوناگونی نظیر حصبه، وبا، فلج اطفال، اسهال عفونی کودکان و غیره به وفور در آب روخانه یافت می‌شود. تصفیه‌خانه شهر زابل نیز، همان‌گونه که تا حال بارها گفته شده است، عملاً قابل استفاده نیست و در حال حاضر تنها به صورت یک تلمبه خانه کار می‌کند و تنها عملی که برای ضد عفونی کردن آب انجام می‌دهد، افزودن پرکلرین به آب است، که آن هم به علت گل‌آلود بودن بیش از حد رودخانه، تاثیر چندانی ندارد.

این وضع در روستاها به مراتب بدتر است. همانطور که گفته شد، از حدود ۳۰۰ هزار جمعیت سیستان، حدود ۲۵۰ هزار نفر در بیش از ۶۰۰ روستا سکونت دارند. آب بیشتر این روستاها مستقیماً از نهر تامین می‌شود، بدون آنکه هیچگونه مواد ضد عفونی به آن اضافه شود. تنها حدود پنج روستای منطقه دارای آب لوله کشی هستند، آبی که از کیفیت نامطلوبی برخوردار است.

در مجموع باید گفت که اکثریت مردم زحمتکش و محروم این منطقه از میهنان به علت وجود این میکروب‌ها در آب آشامیدنی‌شان، دچار انواع بیماری‌ها هستند و، به علت پایین بودن سطح بهداشت، به شدت از این مشکل رنج می‌برند. گفته رئیس شبکه بهداشتی زابل در جلسه دیروز مسئولین استان با نخست‌وزیر به خوبی این واقعت را نشان می‌دهد:

"بعلت وضعیت بد بهداشت و آب آشامیدنی در منطقه، بیشتر مردم مبتلابه بیماری‌های روده‌ای هستند و بیشتر تخت‌های بیمارستان‌ها را اشغال کرده‌اند."

عوارض دیگر این مشکل را تا کنون در سطح منطقه بارها شاهد بوده‌ایم. از جمله در بهمن‌ماه سال ۵۸، بعلت بومی شدن بیماری حصبه (که خود ناشی از وجود میکروب این بیماری در آب آشامیدنی است) در روستاهای اطراف کوه خواجه شامل روستاهای کوه خواجه، ده لطف‌الله، قریه آزادی، ده کدخدای فقیر، ده

محمد صفر و فراشادی، مردم به این بیماری مبتلا و تلفاتی هم متحمل شدند، و تنها کوشش مسئولین بهداشتی شهر از عمیق تر شدن فاجعه جلوگیری کرد.

با وجود اعلام مکرر این مشکلات تاکنون اقدام قاطعی صورت نگرفته است، بطوری‌که رئیس شبکه بهداشتی در همان جلسه متذکر شد:

"حدود ۳ سال است که در رابطه با بهبود وضع آب آشامیدنی این منطقه بطور مرتب با مقامات مسئول مکاتباتی انجام گرفته که متأسفانه نتیجه‌ای نداشته است."

خوشبختانه نخست‌وزیر در این جلسه قول مساعد داد که در اسرع وقت به این مشکل رسیدگی شود. اینک با توجه به وضع ناگوار موجود و محدود بودن امکانات درمانی این منطقه و نیز با در نظر گرفتن این که بهبود وضع آب آشامیدنی می‌تواند تا حد قابل توجهی به کاهش بیماری‌ها یاری رساند، لازم است که مقامات وزارت نیرو هرچه سریع‌تر برای این مشکل چاره‌اندیشی کنند. در همان حال باید با اقدامات ضربتی کوتاه مدتی، نظیر افزودن یک حوضچه زاج‌زنی و چند حوضچه ته‌نشینی شبکه، بترفع موقتی ونسی این مشکل پرداخت. در مورد روستاها، تنها چاره‌ای که میتوان در پیش گرفت، بوجود آوردن چند مرکز در این منطقه، استقرار تصفیه‌خانه‌هایی در آنها و سپس پمپاژ آب تصفیه‌شده به سایر نقاط است.

## بارعایت مصالح انقلاب:

### هرگز کامپیوتری سازمان تأمین اجتماعی را بر اه اندازید

راه‌اندازی مرکز کامپیوتر سازمان تأمین اجتماعی، که می‌توان گفت یکی از مدرن‌ترین و مجهزترین مراکز در نوع خود در ایران و در سطح خاورمیانه است به دلیل کارشناسی‌های مختلف متوقف مانده است. تجهیزات این مرکز، که تا قبل از انقلاب توسط آمریکاایان اداره می‌شد، حدود ۶ میلیون تومان وساختمان آن ۷ میلیون تومان خرج برداشته است.

پس از انقلاب، گروهی از کارکنان این مرکز تصمیم به راه‌اندازی مجدد این مرکز گرفتند. آنان تصمیم داشتند که از مراکز که دارای دستگاه استیجاری هستند، دعوت کنند، تا بجای دستگاه‌های خود، که باید مبالغ زیادی بابت اجاره‌شان می‌دادند، از دستگاه‌های این مرکز استفاده کنند. لیکن سیاست "گام به گام" دولت موقت و نیز بی‌برنامه‌گی مدیران سازمان تأمین اجتماعی مانع انجام این تصمیم شد. سرانجام بر

## بارعایت مصالح انقلاب:

### هرگز کامپیوتری سازمان تأمین اجتماعی را بر اه اندازید

این مرکز اشکالات تازه‌ای بوجود آورد. پس از مذاکره با مقامات هر دو شرکت و بررسی پیشنهاد های سرپرست این شرکت، مشخص شد که پیشنهاد شرکت دولتی "ایز ایران" دارای نقاط مثبت بیشتری است. با این همه تعدادی از اعضای شورای عالی انفورماتیک و سازمان برنامه بودجه اصرار فراوان به عقد قرارداد با شرکت خصوصی مزبور داشتند و دارند، در صورتی که کارکنان متعهد این مرکز این کار را به سود انقلاب نمی‌دانند.

اکنون بعلت ادامه اختلافات ناشی از این مسئله، عملاً تجهیزات این مرکز بلااستفاده مانده است. بر مقامات مسئول است که با انجام اقداماتی فوری و با رعایت مصالح انقلاب و اهداف استقلال طلبانه آن به راه‌اندازی این مرکز مجهز مدرن بپردازند. در این راه می‌توان و باید به کارکنان متعهد و مسئول این مرکز تکیه کرد و از آنان یاری گرفت.



## معلمین مبارز سراب را به کار بازگردانید

۲۹ نفر از معلمین سراب، که در سال گذشته پاکسازی شده و مجدداً بکار بازگشته بودند، در اواخر فروردین‌ماه سال جاری، بار دیگر بدون هیچ دلیلی، از کار اخراج شدند. اخراج این عده، که اکثراً از معلمین انقلابی و مبارز و پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند باعث تشنج در شهر و نارضایتی اهالی گشته است.

یکی از معلمین اخراجی خطاب به رئیس آموزش و پرورش سراب، به درستی به هشدار اخیر امام خمینی در مورد توطئه ضدانقلاب، بویژه در آذربایجان، اشاره کرد و اخراج معلمین را در شرایط حساس کنونی، خلاف مصالح کشور و نقض صریح قانون خواند.

در این میان آنچه بیش از همه قابل تأسف است این است که، یکی از معلمین پاکسازی شده بنام "لامعی" مدتی است که برای مقابله با دشمنان متجاوز به جبهه جنگ رفته و در آنجا به اسارت دشمن درآمده است. این مسئله اعتراض همگان را برانگیخته است. مردم سؤال می‌کنند که: چطور می‌شود یک معلم در دست دشمن اسیر باشد و او را از کار پاکسازی کنند!

در ارتباط با این پاکسازی‌های غیرقانونی، به مدت دو روز دانش آموزان مدارس شهر از رفتن به سر کلاس خودداری کردند و حتی نزدیک بود کار به تظاهرات و راهپیمایی بکشد، که معلمین اخراجی مانع از آن شدند.

ما ضمن جلب توجه مسئولین آموزش و پرورش به این امر، از آنان می‌خواهیم که با رسیدگی دقیق به این پاکسازی غیرقانونی، از معلمین مبارز اعاده حیثیت شود و اعمال غیرقانونی مورد بررسی قرارگیرد.

## به وضع نابسامان آب دزفول رسیدگی کنید!

### آب دزفول رسیدگی کنید!

قطع آب لوله‌کشی دزفول بطور مرتب، موجب نارضایتی مردم این شهر شده است. در دزفول ۲ سازمان آب وجود دارد. یکی آبیاری دزفول که از قبل وجود داشته است و تقریباً ۵۰ درصد خانواده‌های دزفولی مشترک آن هستند، و دیگری سازمان آب تصفیه دزفول، که از شش سال پیش در دزفول کار خود را به طور فعال آغاز کرده است.

مشکل اساسی این است که هر گاه برق شهر قطع شود، بلافاصله آب نیز برای مدت طولانی قطع می‌شود، و همچنین اگر آب رودخانه گل‌آلود شود و یا بالا و پایین برود، بر آب شهر اثر می‌گذارد و آن را قطع می‌کنند.

ما از مسئولین امر می‌طلبیم که هرچه زودتر در جهت فراهم آوردن زمینه حل این مشکل، به خواسته‌های بحق مردم دزفول رسیدگی کنید.

# درباره «سنگ پا»

رئیس‌جمهور در درباره حزب ما، در شماره‌های قبلی همین روزنامه «انقلاب اسلامی» کافی دانسته و به تکمیل آنها برخاسته است؟ پس چرا نویسنده «وقایع اتفاقیه» از آگاهی رساندن و انجام یک وظیفه انقلابی از جانب حزب ما، این چنین بفریخته و خشمگین شده و آن ناسزاها و افتراها را در حق حزب ما ردیف کرده است؟ ولی ما، همانطور که در موقع خود نسبت به نوشته‌های کارنامه رئیس‌جمهور یادآور شدیم، براساس مشی اصولی و انقلابی خود، به این دشنامها و افتراها فعلا پاسخ نمی‌دهیم و فقط می‌طلبیم که: اصل موضوع برای اطلاع افکار عمومی ایران روشن شود.

و اما نویسنده «وقایع اتفاقیه» ضمنا خطاب ما را به هیئت سه نفری رفع اختلاف و مقامات قضائی کشور، کاری خطا و نابجا و حتی مظنن بهرروئی و وقاحت دانسته و خیال کرده است که مع طرف بی‌خبر و ناآگاه را سرزنش کرده است. او می‌نویسد:

«مگر نه اینکه این هیئت برای رسیدگی به اختلاف مسئولین سطوح بالای مملکتی کشور (کذافی الاصل!) تشکیل شد و بنا به فرمان امام از نماینده ایشان نماینده رئیس‌جمهور و نماینده طرف دیگر تشکیل گردید، آقایان توده‌ای، خیال میکنند که چند پست بالای مملکتی را در اختیار دارند که اختلافات (!) خود را با رئیس‌جمهور به این هیئت ارجاع میدهند!»

نویسنده «سنگ پای قزوین» شش خود را با این ایراد باز میکند و نشان میدهد که بکلی از مرحله پرت است و حتی به وظایف یکی از ارگانهای مهم کنونی، که برای تشنج‌زدایی و ایجاد محیطی سالم بوجود آمده آشنا نیست.

مستقیما رجوع میکنیم به اظهارات حجت‌الاسلام محمد یزدی در پایان نخستین جلسه رسمی هیئت (۲۳ فروردین ۶۰). وی گفت:

«حدود وظایف و اختیارات از متن حکم امام نسبت به جناب آقای کنی وزیر کشور استخراج و مشخص شد که عبارتند از: ۱) رسیدگی به موارد تخلف ۲) رسیدگی به اعمال گسائیکه منشاء تشنج میشوند ۳) رسیدگی به جرایم و روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی».

کاملا روشن است که جلب توجه هیئت سه نفری توسط «نامه مردم» برای رسیدگی به این موضوع، در حیطه اختیارات و در حدود وظایف هیئت است و جعل نویسنده «سنگ پای قزوین» موجب سلب صلاحیت از هیئت نمیشود. گذشته از آن، مگر آقای روزنامه‌نویس روزنامه نمی‌خواند و نمیداند که هیئت سه نفری به

نسبت به سرنوشت انقلاب، یا یک ایرانی مخالف با تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی که علیه امپریالیسم می‌رزد و سر آن دارد که از توده زحمتکش دفاع کند، (اگر بتوان آنها را ایرانی نامید) مطلب دیگری است. اما یک ایرانی انقلابی و هوادار نظام کنونی وظیفه انقلابی دارد که بلافاصله همین اطلاع خویش را، با آگاهی و هوشیاری، به اطلاع مقامات مسئول برساند، بدون هیچگونه اظهار نظر و تفسیر و «لقاء شبیه» هم برساند، تا خود مقامات مسئول بروند و تحقیق کنند که آن آقا کی بوده، چه ماموریتی داشته، از طرف کی آمده و دنبال چه هدفی میکشته است؟

نویسنده «وقایع اتفاقیه» در روزنامه «انقلاب اسلامی» این مطلب بکلی ساده را ظاهرانفهمیده است که چاپ نامه مورخه ۲۹/۱۲/۵۹ حزب توده ایران در «نامه مردم»، بخاطر مدرك آوردن بر اصل سفر نبوده است، چیزی که نیاز به اثبات نداشته، بلکه بخاطر آن بوده که نشان داده شود که بهنگام اطلاع خبر، ما هیچگونه اظهار نظری درباره وابستگی یا انتساب آقای قتی‌زاده به این یا آن شخص یا مقام نکردیم. ما عین نامه خود را، که در آن تاریخ به مقامات مسئول کشور فرستاده بودیم، کلیشه کردیم، تا ثابت شود که موضعگیری خصمانه و پر از اتهام و دشنامهای ناروای آقای رئیس‌جمهور علیه حزب توده ایران، درست نبوده و موردی نداشته است. حتی يك كلمه یا اشاره‌ای هم به اینکه شخص نامبرده از طرف چه کسی احتمالا آمده و چه مقامی به او ماموریتی واگذار کرده، نداشته‌ایم، زیرا این خود مسئولان بوده‌اند که میبایست در این باره تحقیق و رسیدگی کنند.

هر کس که از سفر اسفندماه دکتر قتی‌زاده به لندن و مراجعه او به سفارت عراق و مذاکرات مفصل او با خبر میشود و این خبر را به مقامات مسئول ایران نمیرساند، حداقل چیزی که درباره او میشد گفت، این میبود که، به انقلاب و سرنوشت میهنش بی‌اعتناست. ما که با خبر شدیم، بدیهی بود که مقامات مسئول را با خبر کنیم. ما مطمئن بودیم که خود مقامات مسئول رسیدگی خواهند کرد و تنها ذکر خود خبر را کافی دانستیم و حتی از هر نوع فراخواندن به تحقیق و هشیار بودن و بیگیری کردن هم اجتناب کردیم، زیرا میدانستیم که هر کس به انقلاب و سرنوشت آن علاقمند است، خود برسدگی برخواهد خاست. پس چرا نویسنده «وقایع اتفاقیه» اینقدر عصبانی شده و سخنان ناروای آقای

در روزنامه‌ای که نام «انقلاب اسلامی» بر خویش نهاده، نویسنده ستون «وقایع اتفاقیه»، مقاله‌ای تحت عنوان «سنگ پای قزوین!!» - که عنوانی بسیار پرازنده برای آن مقاله است - نوشته، و نه بطور اتفاق، بلکه بشیوه دائمی خویش، مقادیر فراوانی افترا و دشنام رکیک درباره حزب توده ایران ردیف کرده است.

بر رعایت وضع موجود و تکالیف روزنامه نگاری، در شرایطی که حملات و افتراها و توهین‌های تشنج‌آفرین تنها بسود دشمن، بسود آمریکای چنانیکار و گروه صدامی تجاوزگر و «میانه‌روهای معتدل» طرفدار آمریکاست، البته ما هرگز با نویسنده «وقایع اتفاقیه» دهان بدهان نمی‌شویم و آنچه را که سزای اوست، در پاسخ ناسزاهایش نخواهیم نوشت.

از اینکه بگذریم، لغات و عبارات و صفاتی که نویسنده در دشنام گوئی و افترا زنی به حزب ما آورده است، تنها نشانه خشمی لگام گسسته است، که از عصبانیتی بی‌حد و مرز حکایت میکند. چرا خاطر پراز سلامت «وقایع نگار» آورده شده؟ چه چیز وی را اینچنین به خشم آورده است؟ آیا يك افشاگری، يك اطلاع بموقع از يك توطئه، که در حال تکوین بود، باید اینطور موجب عصبانیت «وقایع نگار» شود؟ درست است که افشای يك خبر و توجه دادن به مقامات مسئول، بمنظور هشیار بودن و تدابیر لازم را اتخاذ کردن، میتواند موجب شود که خطری مرتفع گردد و کسانی نتوانند شاهد اتفاق و واقعی دلخواه شوند. ولی چرا این مطلب باید روزنامه‌نویس «انقلاب اسلامی» را عصبانی کند؟ مطلب از این قرار است که در پایان سال گذشته، ما خبری دریافت کردیم دایره‌ای که شخصی بنام قتی‌زاده از تهران به لندن رسیده (در زمانی که جنگ جریان دارد و مسافرتها محدود است و جز در موارد استثنائی اجازه خروج داده نمیشود) و این شخص بلافاصله به سفارت عراق در لندن رفته است (سفارت کشوری که با ایران در حال جنگ است، به همین انقلابی مانجاور کرده و خود سازمانده حملات و یورشها به سفارت ایران بوده، که حتی منجر به شهادت دیپلماتهای ایرانی نیز شده است).

ما البته از محتوای مذاکرات خبری نداشتیم، ولی خبر حاکی از آن بود که مذاکرات مفصل بوده است. ما نمیدانستیم که این آقای قتی‌زاده کیست، از طرف چه کسی به لندن رفته، چه ماموریتی بهمه داشته و بنام چه کسی صحبت میکند؟ در این شرایط فکر میکنید که وظیفه يك ایرانی طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چیست؟ گفتیم و تکیه میکنیم که وظیفه يك ایرانی طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، البته يك ایرانی ضدانقلاب، یا يك ایرانی بی‌تفاوت

مطالب منتشره در جراید، بارها رسیدگی کرده و «اختلاف مسئولان سطح بالای مملکتی و آقای رئیس‌جمهور» تنها مسئله مورد نظر هیئت نیست؟ آقای نویسنده قاعدتا مرد سیاست است و باید بداند که روز ۳۰ فروردین ۶۰ آقای یزدی، سخنگوی هیئت سه نفری، به مسئولین جراید تذکر داد و گفت:

«اگر چنانچه تخلفاتی از آنها دیده شود، ضمن تعقیب قانونی، به مردم نیز معرفی خواهند شد.»

آقای نویسنده باید قاعدتا لااقل اعلامیه شماره يك هیئت سه نفری را خوانده باشد که در آن گفته میشود:

«دیده میشود که متأسفانه پاره‌ای از روزنامه‌ها و مجلات تخلفاتی داشته‌اند. هیئت برخورد لازم میداند برای حفظ آرامش به کلیه روزنامه‌ها و مجلات تذکر دهد که از عنوان نمودن مطالبی که موجب تضعیف یا توهین و یا تشدید اختلاف میشود، خودداری کنند. بدیهی است که مسئولین محترم جراید با پراز حسن نیت رهنمودهای امام را تصب‌العین خود قرار خواهند داد.» (جراید ۲۶ فروردین ۶۰)

روشن است که جراید و وظایف آنها و تخلفات آنها نیز مورد نظر هیئت است و مسئله آرامش تنها به مسئولان سطوح بالای مملکتی کشور! محدود نمیشود و همه کس، منجمله روزنامه نگاران، و از جمله نویسنده «وقایع اتفاقیه» باید رهنمودها را تصب‌العین قرار دهد. حال فرض کنیم که نویسنده «وقایع اتفاقیه» همه این اسناد رسمی و اظهارات رسمی هیئت را نشنیده و نخوانده است. ولی لااقل ضرور میباید که سخنان حجت‌الاسلام اشراقی، نماینده رئیس‌جمهور در هیئت سه نفری، را، آنهم در پایان دیدار روز ۷ اردیبهشت ایشان با رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوا خوانده باشد و به آن احترام گذارد. آقای اشراقی گفته است:

«روزنامه‌ها در جوفعلی سعی کنند تا آرامش حفظ شود و جو ملایم باقی بماند، تا مسئولین بتوانند در این موقع حساس مملکت به اوضاع مملکت بپردازند... در این جو است که ما میگوئیم روزنامه‌ها ملایمت قلم در دست بگیرند.»

حال این سؤال پیش می‌آید: این آقای نویسنده در روزنامه «انقلاب اسلامی» چگونه حتی خط نمایند رئیس‌جمهور در هیئت سه نفری را نمی‌خواند و بگفته او درباره وظایف روزنامه در جو کنونی و به تکلیف هیئت سه نفری در قبال روزنامه‌ها کردن نمی‌نهد؟ چه کسانی چرا نمی‌گذاردند جو ملایم باقی بماند؟ چه کسانی نفع دارند که آرامش حفظ نشود و به بهای توهین و افترا و ناسزا، تشنج می‌آفرینند؟ این چه ماموریت نامیمونی است که اجرا میشود؟ آیا جای آن نیست که باز هم توجه هیئت سه نفری به این موضوع، برای پایان دادن به این رویه زیانبخش، جلب شود؟

## نمایش ناهنجار

## (در باره باصطلاح دادگاه بین المللی استکھلم علیه افغانستان و اتحاد شوروی)

## نامه يك افغانی به «دادگاه بین المللی استکھلم»

بقیه از صفحه ۱

کارزار تبلیغاتی پریهاو علیه انقلاب افغانستان، که توسط رسانه‌های گروهی غرب بشدت ادامه دارد، هدفش مخفی نگه داشتن حقیقت است. سخن برسر جعل و تحریف حقایق، طبق يك نقشه پیش‌بینی شده است و جز این چیز دیگری نیست. حال هر قدر هم بخواهند در هیات‌های تحریریه روزنامه‌های غرب، این حقیقت را نفی کنند، واضح است که هیات‌های تحریریه این روزنامه‌ها خوب میدانند که گزارشهای آژانسهای اطلاعاتی غرب و بویژه آژانسهای آمریکا درباره افغانستان، ذره‌ای ارزش اطلاعاتی ندارند، و این فقط تبلیغات سیاست خارجی آمریکا است. لیکن داوطلبان متعصبی پیدا میشوند که بلاشرط این داخچاره را، که منبع آن معمولا فقط سازمان «سیا» است، درج میکنند.

این نیز يك حقیقت مسلم است که انقلاب برای اولین بار در تاریخ بمرمد افغانستان امکان داد که، بر مبنای دموکراتیک، بر سیاست و بدین طریق بر زندگی خصوصی خود نیز تأثیر بگذارند. لیکن در بیانیه ترجیح میدهند بگویند که کمک به این انقلاب «حاکمیت کشور و حق مردم افغانستان را در تعیین بالامانع سرنوشت خود، نقض می‌کند». همانا انقلاب اجتماعی در آوریل سال ۱۹۷۸ بود که بمرمد این کشور امکان داد که آزادانه سرنوشت خود را برگزینند. موفقیت‌های مردم افغانستان میتواند مایه خوشحالی کلیه افراد خیراندیش کره زمین گردد.

ولی متأسفانه اطلاعات درست و واقعی درباره تغییراتی که در افغانستان روی میدهد، بویژه با فقدان خود در جراید غرب، از آنجمله در جراید سوئد، انظار را بخود جلب میکند. و سازمان دهندگان «دادگاه» نیز از این فقدان استفاده میکنند. لیکن برغم تمام جعلیات اخیر گمراه‌کننده، حقیقت انکارناپذیر آنست که حاکمیت افغانستان و حقوق خلقهای آن را بخصوص پشتیبانی از خارج، که ارتجاع بین‌المللی در اختیار ضدانقلاب میکند، نقض میکند.

يك افغانی بنام «حاج غلام ساهي» نامه‌ای به «دادگاه بین المللی استکھلم» درباره جنایات امپریالیسم آمریکا و متحدان و دست‌نشاندهگان و مزدورانش در افغانستان نوشته، که توسط «خبرگزاری نووستی» انتشار یافته است. در زیر ترجمه این نامه به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

«اینک من تنها فرد زنده يك خانواده هشت نفری هستم. در ماه مارس ۱۹۷۹ خرابکاران مسلح مورد حمایت آمریکا، با سلاحهای آمریکائی خانه ما را مورد حمله قرار دادند و هفت نفر از اعضای خانواده مرا کشتند، که در میان آنها زن، کودک و پیرمرد وجود داشت. خانواده دهقانی فقیر ما روزگار خود را از طریق زراعت و دسترنج خود میکذارند. ما قطعه زمینی را میکاشتیم که، پس از انقلاب ثور در کشورمان، بسا داده شده بود. ولی دشمنان مردم افغان بی‌بوسه برمال و جان ما تجاوز میکنند. این خرابکاران برای انجام «کار» کثیف خود، یعنی قتل و جنایت، مورد حمایت دولتهای آمریکا، چین، مصر و پاکستان قرار داشتند. اینها سلاحهایشان را از آنها دریافت میکنند و به کشورما اعزام میشوند.

مردم ما با غیرت هستند و نمیتوانند خود را با جنایت و تجاوز سازگار کنند. من یکی از فرزندان مردم شریف افغان هستم، يك قربانی جنایات امپریالیسم آمریکا و مزدوران آنها، و من تاکید میکنم: اگر اتحاد شوروی درخواست دولت ما را نمی‌پذیرفت و بخت محدودی از سربازان خود را به افغانستان نمی‌فرستاد، اوضاع و احوال در کشورما ناهنجار میشد و مردم ما در معرض تهدید يك خطر قرار می‌گرفتند. مردم ما از اتحاد شوروی، بخاطر نجات ما از تجاوز آمریکا و چین، متشکرند. سربازان شوروی چون همه مردم شوروی دوستان ما هستند. آنها در مزارع کار می‌کنند. آنها با دهقانان و کارگران ما کار میکنند و از کشورما در مقابل ادامه تجاوز، همدوش با نیروهای مسلح ما، دفاع میکنند.

چرا دولتهای ایالات متحده آمریکا، چین، مصر و پاکستان ما را به حال خود نمی‌گذارند؟ ما به هیچ کمکی احتیاج نداریم. ما حق داریم که دوستانمان را خودمان انتخاب کنیم. ولی دشمنان، دست‌بردار نیستند. در ماه مارس گذشته، خرابکاران به کشور ما اعزام شدند و پنج تن دیگر از منسوبان و نزدیکان مرا، که از دهقانان معمولی وزارعین زمینباشان بودند، کشتند. من با تمام وجود مصمم هستم تا انتقام پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر و دیگر اعضای خانواده‌ام را، که توسط خرابکاران کشته شدند، بگیرم. مردم ما بصورت تن واحدی برای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و مزدورانش درآمده‌اند و همه مصمم هستند که از انقلاب ثور در برابر دشمنان خونخوار و کثیف دفاع کنند.

اطمینان ما به اتحاد شوروی، که دوست صمیمی ماست، روزافزون است. من از شما مدافعان عدالت و قانون می‌خواهم، تا ما را در مقابل جنایات امپریالیسم و سلبه طلبان چینی و مزدورانشان حمایت و حفاظت کنید. ما از شما عدالت و قانونیت میخواهیم.

مردم افغان امپریالیسم آمریکا و جنایاتش را علیه کشور ما هرگز فراموش نمیکند.»

چرا؟ برای اینکه انقلاب افغانستان، صرفنظر از مشکلات و تنگناهای بزرگ خود، يك نمونه الهام بخش برای کلیه خلقهای مظلوم و ستمدیده است، و همه رژیمهای دیکتاتوری و استثمارگر جهان، از این میترسند. برای امپریالیسم هیچ چیزی مخوف تر از انقلاب اجتماعی وجود ندارد، و به همین دلیل میکوشد که تمام وقایعی را که در افغانستان روی داده و میدهد، بسکوت گذارد و واقعیات را جعل و تحریف کند.

در سال ۱۹۷۵ آمریکا، آسیای جنوب شرقی را «از دست داد». در سال ۱۹۷۸ ایالات متحده شروع به «از دست دادن» آسیای غربی، ایران و افغانستان نمود. ایالات متحده هر منطقه‌ای را که خلقهایش به مبارزه در راه استقلال ملی و عدالت اجتماعی برمیخیزند، «از دست دادن» مواضع خود» مینامد، مثل این است که واقعا حق تملک بر مناطق مختلف جهان را داشته است. و هر اندازه امپریالیسم اراضی بیشتری را «از دست میدهد»، بهمان اندازه بیشتر دچار سردرگمی میشود. و این جنگ تبلیغاتی علیه افغانستان، که ایالات متحده در راس آن قرار گرفته، از همین جا آب میخورد.

جای تاسف و مایه نگرانی است که پاره‌ای از نویسندگان و هنرمندان سوئدی و خارجی خود را در اختیار ارتجاع افراطی گذاشته‌اند و میخواهند در جنگ اعلان نشده علیه مردم افغانستان، مردمی که خواستار آزادی و استقلال هستند، در استکھلم شرکت کنند.

# بابی سندز!



بلکه در برابر افکار عمومی جهان نیز «آهین» ماند!

هواداران انگلیسی «حقوق بشر» حاضر شدند، که زندانی «بلوک اچ زندان میز» به فجیعانه ترین گونه بهلاکت برسد، ولی بدیهی ترین حق او را نادیده بینگارند: حق آنکه بعنوان «زندانی سیاسی» و نه یک «جنایتکار عادی»، در پنداشغالگران انگلیسی پس برد.

از اینکه بگذریم، «وست می لیستر» نشینان، که خود را وارثان «مادر پارلمانها» می خوانند، نمی خواستند حتی حق نمایندگی بابی سندز را در پارلمان لندن بپذیرند، هر چه باشد چهار روز پس از آنکه بابی سندز، اعتصاب غذای خود را آغاز کرد، مرگ نماینده «فیرماناگ» و «تایرون جنوبی» به انتخابات جدید در این حوزه انتخاباتی انجامید و بابی سندز «بنوشته» «تایم»، «در برابر دیدگان هراس زده دولت بریتانیا» به نمایندگی «وست می لیستر» برگزیده شد، دولت بریتانیا که همیشه استدلال می کرد «شورشیان» ایرلند شمالی باید دست از «تورویسم» بردارند و از راههای قانونی خواستهای خود را مطرح سازند، اجازه نداد

بگزارش خبر گزارها، بابی سندز، مبارز ایرلند شمالی، در شصت و ششمین روز اعتصاب غذای خود، در سن بیست و هفت سالگی، جان سپرد.

رابرت (بابی) جرارد سندز، چهره برجسته جنبش مقاومت ایرلند شمالی، بخاطر مبارزه علیه اشغالگران انگلیسی، به ۱۴ سال زندان محکوم شده بود.

اما محافل حاکم بریتانیا، که همیشه میل داشته اند، کشور «خود» را بمنزله «مهد آزادی و دموکراسی» جایزند، این مبارز سیاسی را نیز «تورویست» و «جنایتکار» قلمداد کردند. چنین ادعای ریاکارانه ای، از سوی استعمارگران لندن نشین، پدید آمده و شکست انگیزی نیست. در مستمره های پیشین بریتانیا، کمتر جنبش آزادی بخشی را می یابیم که، «جنتلمن» های انگلیسی پس آن نام «جرگه تورویستی» نهاده باشند و کمتر رهبر انقلابی است که سالها از «نعمت آزادی خواهی و دموکراسی طلبی» استعمارگران بریتانیایی، البته در زندان و شکنجه گاه، «بهرمند» نشده باشد.

بدینسان، خانم تاجر نیز میتواند بخود «بیالده» که به سن دیرین آباء و اجداد خویش وفادار باقی مانده است، «بانوی آهین» لندن، نه تنها آوای آزادی طلبانه هزاران ایرلندی را در «بلفاست»، «لندن درری»، «نیوری»، «دانکانون» و دیگر شهرها و شهرک های ایرلند شمالی ناشنیده کرد،

به شاعر و کارگر مبارز مردم ایرلند، بابی سندز

## شهادت شمع

قطره  
قطره  
مردن  
و شب جمع را به سحر آوردن  
مردن  
با  
لبخند  
و پایان بخشیدن  
به دود تردید تاریخی  
بودن  
یا  
نبودن

سیاوش کسرائی  
۱۳۶۰/۲/۱۵

## بابی سندز، پس از شصت و شش روز اعتصاب غذا درگذشت

بگزارش خبر گزارها، بابی سندز، قهرمان ایرلند شمالی، پس از شصت و شش روز اعتصاب غذا، در ساعت یک و هفده دقیقه

## نامه مردم

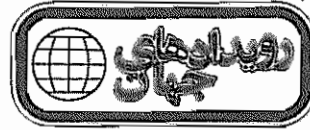
دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بیژادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر «نامه مردم»  
هنوز در اختیار  
«نامه مردم» نیست)  
چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM

No. 505  
6 May 1981

Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند:  
صندوق پستی  
۶۱/۳۵۵۱، منطقه  
۱۶ پستی تهران



## کنفرانس همبستگی بین المللی یا مردم کامپوچیا خرابکارهای واشینگتن و چین را علیه خلق کامپوچیا محکوم کرد

کنفرانس همبستگی بین المللی با مردم کامپوچیا، پیش از پایان اجلاس خود در پنومپن، خلقهای همه کشورها را به کمک به «احیای ملی» کامپوچیا فراخواند. بیانیه کنفرانس برای «کمکهای سخاوتمندانه اتحاد شوروی، ویتنام و دیگر کشورهای سوسیالیستی» قدر فراوان قائل می شود و خرابکارهای مشترک واشینگتن-چین را علیه خلق کامپوچیا محکوم می کند.

## وزیر کشور نیکاراگوئه: ما قصد تهدید و تجاوز به دیگر کشورها را نداریم

توماس بورخه، وزیر کشور نیکاراگوئه، ایالات متحده آمریکا را بخاطر تنش آفرینی در آمریکای مرکزی نکوهش کرد. وی، در گفتگویی با خبرنگاران خارجی در ماناگوئه گفت که ایالات متحده آمریکا جنگ افزار و کارشناس نظامی به رژیمهای مرتجع السالوادور، هندوراس و گواتمالا در آمریکای مرکزی می فرستد.

توماس بورخه یادآور شد که «نیکاراگوئه کسی را تهدید نمی کند و قصد آنرا ندارد که به کشورهای همسایه حمله ور گردد»

## «گردهمایی مادرید» کار خود را از سر می گیرد

روز سه شنبه، ۱۵ اردیبهشت ۶۰، در مادرید، گردهمایی کشورهای امضاءکننده «کنفرانس امنیت و همکاری اروپا» کار خود را از سر گرفت. فعالیت این گردهمایی اکنون به مرحله نهایی خود نزدیک می شود. بسیاری از ناظران معتقدند که مهم ترین وظیفه «گردهمایی مادرید» حصول توافق درباره فراخوانی کنفرانس درباره تنش زدایی نظامی و خلع سلاح در اروپا است.

هر چند هیچک از نمایندگان شرکت کننده در گردهمایی نامبرده ضرورت این امر را منکر نیستند، ولی هنوز در میان آنها برخی اختلافات موجود است.

اتحاد شوروی، با اعلام آمادگی خود درباره گسترش تدابیر اعتماد آفرین به سراسر بخش اروپایی کشور، گام بزرگی در راه کمک به موفقیت «گردهمایی مادرید» برداشته است. اتحاد شوروی اظهار امیدواری کرده است که غرب نیز به اقدام همانند دست زند.

## وزیر خارجه آمریکا در اجلاس «ناتو»: هم پیمانان اروپای غربی ما باید بیشتر از ما پشتیبانی کنند

از دم گزارش می رسد که «مناسبات میان شرق و غرب» مهمترین موضوع نخستین روز اجلاس کنفرانس وزیران خارجه کشورهای «ناتو» بود.

چندین وزیر خارجه کشورهای اروپایی عضو «ناتو»، ضمن انتقاد از سیاست ایالات متحده آمریکا، از «واشینگتن» خواستند که هر چه زودتر مذاکرات با اتحاد شوروی را درباره تحدید موشک های هسته ای در اروپا از سر گیرد.

بموجب گزارشی، الکساندر هیگ، در پاسخ خود، تنها به «گفتگوهای مقدماتی» اشاره کرد. وی از هم پیمانان آمریکا خواست، تا با جدیت بیشتری از نقشه های ایالات متحده آمریکا درباره استمرار موشک های هسته ای جدید در اروپای غربی به هواداری بپردازند.

## رئیس جمهوری زامبیا وتوی کشورهای غربی را در «شورای امنیت» درباره قطعنامه نامی بیا محکوم کرد

کنت کائوندا، رئیس جمهوری زامبیا، وتوی کشورهای غربی را در «شورای امنیت» علیه پیش نویس قطعنامه کشورهای آفریقایی درباره «مجازات ۹۰۰۰ جازه» و «اجباری» رژیم «پرتوریا» محکوم کرد.

وی، که در کنفرانس درباره آپارتید در لیونگستون (زامبیا)، که از سوی «سازمان بین المللی کار» برگزار شده بود، سخن می گفت، امپریالیست ها را متهم ساخت که به «پرتوریا» در زمینه آموزش عوامل خرابکار کمک می رسانند. بگفته کائوندا، وظیفه این عوامل «براندازی رژیمهای کشورهای صف مقدم جبهه» تعیین گردیده است.

کنت کائوندا از زحمت کشان سراسر جهان خواست تا همبستگی خود را علیه رژیم آپارتید تقویت بخشند.

## استعفای هشت وزیر کابینه سوئد

نخست وزیر سوئد استعفای هشت وزیر کابینه را پذیرفت. هشت وزیر نامبرده علت استعفای خود را اختلافات شدید درباره برخی مسائل اقتصادی، بویژه سیاست مالیاتی، ذکر کرده اند.

بدین ترتیب، دولت سوئد در چهار سال اخیر، برای دومین بار، دچار بحران می شود.

## نخست وزیر ژاپن در واشینگتن

روز ۱۵ اردیبهشت ۶۰، سوئوزومی، نخست وزیر ژاپن، وارد ایالات متحده آمریکا شد. وی قرار است، روز بعد گفتگوهای خود را با ریگان آغاز کند.

بگزارش «خبرگزاری فرانسه»، دوطرف خواهند کوشید تا اختلافات شدید خود را رفع سازند. این اختلافات، از جمله، گسترش نفوذ اقتصادی ژاپن در ایالات متحده آمریکا و خواست «واشینگتن» را درباره افزایش شکفت بودجه نظامی از سوی ژاپن دربر میگیرد.

سوئوزومی قصد دارد که مسئله غرق شدن یک کشتی باربری ژاپن را بوسیله یکی از زیر دریایی های هسته ای آمریکا نیز مطرح کند.

یادآور می شویم که چند هفته پیش، یکی از زیر دریایی های هسته ای آمریکا، پس از تصادف با کشتی باربری ژاپن، سبب غرق این کشتی شد و بخیال آنکه کسی از این حادثه آگاه نخواهد گردید، بدون کوشش برای نجات سرنشینان ژاپنی، محل رویداد را ترک کرد. چند تن از این سرنشینان، که از حادثه نامبرده جان سالم بدر بردند، این موضوع را فاش ساختند. رویداد نامبرده به تیرگی مناسبات میان آمریکا و ژاپن انجامید.

# باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم